

مؤسسه قرآنی امام رضا (ع)، با همکاری موقوفه مدنیان، برگزار می‌کند:

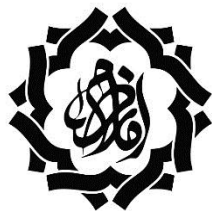
هفدهمین دوره

علیه السلام

سلسله مسابقات مطالعات قرآنی و معارف اهل بیت

# خانواده در اسلام

همراه با جوایز ارزنده



جهت دریافت کتاب و کسب اطلاعات بیشتر به حسینیه امام رضا (ع) مراجعه نموده  
و یا با شماره ۰۹۱۶۵۲۹۷۵۰۵ تماس حاصل فرمایید  
و یا از طریق سایت [www.Moham.org](http://www.Moham.org) دانلود نمائید.

## ۱- انسان و ازدواج

ازدواج و ترکیب و تولید ، و توالد و تناسل ، در عرصه گاه حیات جماد و نبات و حیوان ، بر اساس قوانین تکوین و جهت گیری صحیح غرائز صورت می گیرد ، ولی انجام این مسئله حیاتی و برنامه عالی طبیعی باید بر مبنای مقررات و نظامات شرعیه ، و قوانین الهیه که در قرآن مجید ، و گفته های ملکوتی انبیاء و امامان آمده ، جامه عمل بپوشد. مایه های اولیه این حقیقت به صورت غریزه ، میل ، دوستی ، عشق ، و مهربانی در مرد و زن به اراده حکیمانه حضرت حق قرار داده شده:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ .

و از آیات خداوندی است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید ، که در کنار او آرامش یابید ، و میان شما عشق و محبت و مهربانی قرار داد ، که در این حقیقت نشانه هائی از خداست برای مردمی که در گردونه اندیشه و فکر نسبت به حقایق بسر می برند!

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا .

و اوست خداوندی که بشر را از آب آفرید ، و میان آنان خویشی و پیوند ازدواج قرار داد ، و خدای تو بر هر چیزی قدرت دارد.

انتخاب همسر در فرهنگ پاک اسلام بخودی خود مستحب و کاری بسیار پسندیده، و برنامه ای نیکوست، ولی در صورتی که مجرد ماندن و عزب زندگی کردن، دامن پاک زندگی را به گناه و معصیت، و فحشا و منکرات آلوده نکند، در غیر این صورت ازدواج و تشکیل زندگی ضروری و مسئله ای واجب، و تکلیفی قطعی است. اینجاست که باید

دستور حضرت حق را نسبت به ازدواج با جان و دل به اجرا گذاشت ، و از آینده آن بخصوص در برنامه مادیت و خرج و مخارج بیمی بخود راه نداد ، که ترس از آینده نسبت به گذران امور زندگی برنامه ای شیطانی ، و مولود ضعف نفس ، و عدم اتکاء و اعتماد به کارگردان بساط هستی است.

اینک دستور و فرمان حق را در رابطه با ازدواج ، و ضمانت وجود مقدسش را برای تأمین مخارج زندگی در آیه ای از سوره مبارکه نور ، ملاحظه کنید.

وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ .

دختران و جوانان مجرد و غلامها و کنیزهای شایسته خود را همسر دهید ، و زمینه نکاح آنان را فراهم آورید ، چنانچه فقیر و تهیدست باشند ، خداوند از فضل بی نهایت خود بی نیازشان کند و خداوند واسع و علیم است. " انکحوا " از نظر قواعد ادبی امر است و این امر و دستور متوجه فرد فرد جامعه ، و کلیه مردان و زنان است.

از آیه شریفه در جهتی وجوب ازدواج برای آنان که نیاز به ازدواج دارند ، و جز از این طریق پاکی و سلامت آنان تأمین نمی شود ، استفاده می گردد ، و در جهتی دیگر لزوم اقدام خانواده ها بخصوص پدران و مادران ، و آنان که توان مالی در این زمینه دارند ، برای تشکیل زندگی جهت پسران و دختران استفاده می شود.

### در تحقق برنامه نکاح سخت گیری نکنید

میل مرد به زن ، و میل زن به مرد ، بخصوص به هنگام شکوفائی غنچه غرائز ، و گُل شهوت ، و شدت و قدرت و قوت آن بوقت نیاز به ازدواج ، امری طبیعی ، انسانی ، و حیاتی است ، و برای کسی قابل انکار نیست. آرزوها و آمال و خواسته های بحق نسبت به

آینده و در ابتدای تشکیل زندگی و پیمان زناشویی در وجود جوانان اعم از پسر و دختر واقعیاتی است که برای هرکس بخصوص پدران و مادرانی که دارای پسر و دختر آماده برای ازدواج هستند بمانند آفتاب وسط روز امری روشن و حقیقتی واضح است.

از همه مهمتر بهترین و برترین و محکم ترین و عالیترین روش و برنامه جهت پیشگیری از گناه ، و حفظ جامعه از افتادن در عرقاب فحشا و منکرات ، ازدواج پسران و دختران به وقت نیاز و زمان مناسب آن است ، بر این اساس در مرحله اول بر پدران و مادران و اقوام و خویشان و هر کس که در مسئله ازدواج پسر و دختر خانواده سهیم است ، واجب است که نسبت به مقدمات این خواسته الهی آسان گیری کنند ، و با دست خود به ساده ترین روش ، و به آسان ترین شیوه زمینه ازدواج را فراهم آورند ، و در مرحله بعد بر دختر و پسری که قصد ازدواج با یکدیگر را دارند ضروری است که از توقعات بیجا نسبت به یکدیگر ، و ایجاد شرایط سخت ، بپرهیزند ، و بنای زندگی سعادت‌مندانه ای پی ریزی شود ، و ساختمان خیر دنیا و آخرت برپاگردد.

بدون شک طبق آیات قرآن و روایات و اخبار، آنان که در امور خود بخصوص در امر زندگی و مخصوصاً در مسئله ازدواج دختران و پسران خود آسان گیری می کنند، خداوند مهربان در دنیا و آخرت علی الخصوص در امر حساب و کتاب و میزان در صحرای محشر به آنان آسان خواهد گرفت، دقت بسیار زیاد در مسئله نکاح و ازدواج انسان را ناخودآگاه دچار سختگیری می کند، در نظام طبیعت ازدواج دو زوج بسیار بسیار ساده انجام می گیرد، اگر در عرصه گاه حیات موجودات امر ازدواج امری سخت و دشوار بود، بدون تردید این نظام احسن به صورتی که الان هست وجود خارجی نداشت. پدران و مادران، پسران و دختران در مقدمات این برنامه الهی و انسانی، در تعیین مهر و صداق، در تنظیم شرایط، در برپاکردن جشن نامزدی، و مجلس عقد و عروسی، و در اجرای عادات و رسوم محلی سخت گیری نکنید، و خارج از طاقت و قدرت دو خانواده، برنامه ای را پیشنهاد ندهید، تا امر

ازدواج به آسانی صورت بگیرد، و خداوند مهربان هم در دنیا و آخرت امور شما را سهل و آسان نماید. بیائید روش اهل تقوا را پیشه خود کنید، و از آن منابع خیر و برکت درس بگیرید، و زندگی را بر اساس اوصاف آن اولیاء حق برپا کنید، که نیکبختی و سعادت، و تأمین خیر دنیا و آخرت، و تحقق دهنده شرافت و کرامت، در سایه هماهنگی با آن عاشقان جمال ازل و ابد است.

امیرالمؤمنین(علیه السلام) اهل تقوا را چنین معرفی می کند:

**أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ وَ حَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ وَ خَيْرَاتُهُمْ مَأْمُونَةٌ وَ شُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ .**

وجودشان در گردونه خودداری از هر آلودگی است، نیازهایشان بسیار سبک، و هر خیری از آنان توقع می رود، و همگان از شر آنان ایمنند.

در هر صورت آنان که دست اندرکار ازدواجند، باید از توقعات بیجا، تحمیل امور خارج از طاقت، پیروی هوا و هوس، افتادن در بند عادات و رسوم غلط، چشم هم چشمی نسبت به دیگران، و سخت گیری در تمام امور نکاح بپرهیزند، و بنای ازدواج را از ابتدا بر پایه تقوا، خیر و صلاح، سهولت و آسان گیری و محض جلب خوشنودی حضرت حق قرار دهند. و چون امر ازدواج صورت گرفت بر مرد است که با همسری که قبلاً به عنوان ازدواج او را دیده و پسندیده و با او پیمان زناشوئی بسته به زندگی با او ادامه دهد و ضامن بقای مودت و رحمت الهی که بین آن دو برقرار شده باشد، و بر زن است که با شوهر خود که او را قبل از عقد به عنوان نکاح ملاقات شرعی کرده و وی را پذیرفته از در سازش و آسان زندگی کردن برآید، و حقوق او را در تمام زمینه ها رعایت کند.

حفظ شئون در گرو مهریه زیاد، مجالس پرخرج، کثرت مهمان، و پیاده کردن رسم و رسوم بیجا و غیر موافق با منطق، و سختگیری در شرایط نیست، حفظ شئون به انتخاب هم کفو، رعایت برنامه های ساده و سهل، مراعات اخلاق اسلامی از جانب دو خانواده، و

رعایت حقوق الهی و انسانی از جانب زن و شوهر نسبت به یکدیگر ، و تداوم دادن به مهر و محبت ، و عشق و رأفت از جانب مرد و زن برای بقاء زوجیت ، و دور ماندن زندگی از جنجال و آشوب و عوامل بیماریهای عصبی و روانی است.

زندگی زن و شوهری چون امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا سلام الله علیهما برای هر مرد و زن مسلمان بهترین درس زندگی است. فاطمه(علیها السلام) باعث آرامش افراد خانواده ، بخصوص همسر بزرگوار خود ، برقرار کننده زمینه های زندگی در خانه ، و علی(علیه السلام) نمونه اعلاى همسر داری ، و پدری مهربان و مربی برای فرزندان ، و معاونی دلسوز در امور خانه و خانواده بود. او در برنامه های عادی خانه از نظافت ، خمیر کردن آرد ، کمک به بچه داری ، ابا و امتناعی نداشت. او نمی گذاشت به همسرش در انجام امور خانه سخت بگذرد ، و تمام امور زندگی انجامش با فاطمه(علیها السلام) باشد.

بر زن و شوهر واجب است حقوق یکدیگر را رعایت کنند، و در تمام شئون زندگی یار و مددکار هم باشند، و تصور نکنند ظلم و ستم فقط به اعمال امثال فرعون و نمرود و طاغیان تاریخ گفته می شود، بلکه هر عملی که بناحق باعث رنجش خاطر دیگری شود ظلم است، و خداوند ظلم و ظالم را دوست ندارد، و از هر گونه تجاوزی گرچه اندک از هر کسی که باشد بیزار است.

### ارزش و اهمیت ازدواج از نظر روایات

عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَالَ: يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاضِعَ: عِنْدَ نُزُولِ الْمَطَرِ وَ عِنْدَ نَظَرِ الْوَالِدِ فِي وَجْهِ الْوَالِدِ وَ عِنْدَ فَتْحِ بَابِ الْكَعْبَةِ وَ عِنْدَ النَّكَاحِ

از پیامبر خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) است که فرمود: در چهار موقع عنایت و رحمت حق متوجه انسان می شود: "به وقت باریدن باران ، به هنگام نظر کردن فرزند به صورت

پدر ، از باب مهر و محبت ، در آن زمان که در خانه کعبه باز می شود ، و آن وقت که عقد و پیمان ازدواج بسته شده " ، و دو نفر با یکدیگر جهت زندگی جدید ، وارد عرصه نکاح می شوند.

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): تَزَوَّجُوا وَ زَوَّجُوا الْإِيْمَ فَمِنْ حَظِّ امْرِءٍ مُسْلِمٍ إِنْفَاقُ قِيَمَةِ أَيْمِهِ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ بَيْتٍ يُعْمَرُ فِي الْإِسْلَامِ بِالنِّكَاحِ .

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: ازدواج کنید ، و پسران و دختران مجرد را همسر دهید ، نشانه نیک بختی مسلمان این است که مخارج شوهر کردن زنی را به عهده بگیرد . چیزی نزد حضرت حق محبوبتر از خانه ای که در اسلام به سبب نکاح آباد شود نیست.

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): زَوَّجُوا أَيَامَاكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُحْسِنُ لَهُمْ فِي أَخْلَاقِهِمْ وَ يُوسِعُ لَهُمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَ يَزِيدُهُمْ فِي مُرُواتِهِمْ .

نبی اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: مردان مجرد و عصب خود را زن دهید ، تا حضرت حق اخلاقشان را نیکو ، و روزیشان را فراخ و گشاده ، و جوانمردیشان را زیاد کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): النِّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي .

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: ازدواج روش من است ، هر کس از راه و روش من روی بگرداند از من نیست.

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي .

رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: هر کس ازدواج کند ، نیمی از دینش را باز یافته نسبت به نیم دیگر تقوای الهی را رعایت کند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي فَقَالَ لَهُ: هَلْ لَكَ مِنْ زَوْجَةٍ قَالَ: لَا فَقَالَ أَبِي: مَا أَحَبَّ أَنْ لِيَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَ أَنِّي بَتُّ لَيْلَةً وَكَيْسَتْ لِي زَوْجَةٌ .

حضرت صادق (علیه السلام) می فرماید: مردی نزد پدرم حضرت باقر آمد ، فرمود همسر داری ؟ عرضه داشت ندارم ، پدرم به او گفت دوست ندارم دنیا و آنچه در آن است از من باشد و یک شب را بدون همسر به سر برم ، آنگاه پدرم گفتارش را ادامه داد و فرمود:

الرَّكْعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا رَجُلٌ مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ أُعْزِبَ يَقُومُ لَيْلَةً وَيَصُومُ نَهَارَةً .

دو رکعت نمازی که مرد همسر دار می خواند ، بهتر است از قیام شب مرد عزب به عبادت و روزه گرفتنش در روز!!

آنگاه پدرم هفت دینار به آن مرد داد و فرمود با این پول وسائل ازدواجت را فراهم کن ، که رسول حق (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

اتَّخِذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزَقُ لَكُمْ . همسر انتخاب کنید که باعث وسعت رزق است .

قال رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله وسلم): يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضٌ لِلْبَصْرِ وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: جوانها هر کدام از شما را قدرت است ازدواج کند ، تا دیدگانتان کمتر زنان را دنبال کند ، و دامنانتان پاک بماند .

وَقَالَ (صلی الله علیه وآله وسلم) مَا مِنْ بِنَاءٍ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ التَّزْوِيجِ .



و آن حضرت فرمود: هیچ بنائی در اسلام نزد خداوند محبوبتر از ازدواج نیست.

وَ قَالَ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أُعْطِيَ نِصْفَ السَّعَادَةِ .

و نیز رسول خدا فرمود: هر کس ازدواج کند نیمی از سعادت را به دست آورده.

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): مَا مِنْ شَابٍّ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثِهِ سِنَّهُ إِلَّا عَجَّ الشَّيْطَانُ يَا وَيْلَهُ يَا وَيْلَهُ عَصَمَ مِنِّي ثُلُثِي دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: هر کس که در اوائل جوانی ازدواج کند ، شیطان فریاد زند: فریاد از او ، فریاد از او ، دو سوّم دینش را از دستبرد من نگاه داشت ، پس باید عبد خدا در نگهداری یک سوم دیگرش ، جانب تقوا را رعایت کند.

راستی در ازدواج چه ارزشهای والائی قرار دارد و چه منافع بزرگی نصیب مرد و زن می نماید و اسلام برای ازدواج چه عظمت و اهمیتی قائل شد! ای کاش خانواده ها راه را برای تسهیل این امر مهم الهی و انسانی باز می کردند و دست از سخت گیری و زمینه سازی برای تحقق شرایط طاقت فرسا برمی داشتند و در حدّ شئون خود به انجام این مراسم اقدام می کردند و در این مسئله طریق قناعت به آنچه که حاضر بود و از دست می آمد می پیمودند ، تا دختران و پسران به امیال طبیعی خود برسند ، و آرزوهایشان برآورده شود ، و غرائز و شهوات آنان که نعمت های حق است تبدیل به کفران نعمت نگردد ، و دامن پاک آنان به گناه و معصیت آلوده نشود.

حبس ماندن آمال و آرزوها ، انحراف در غرائز و شهوات ، گسترده شدن فساد و آلودگی ، چشم چرانی و هوس گناه ، خودارضائی و زنا ، تجاوز به ناموس غیر ، سستی در تحصیل تنبلی در عبادت ، ظهور بیماریهای عصبی و روانی ، و بلاهای دیگر ریشه در کجا دارد ؟

در درجه اول سئوالات بالا را باید از پدران و مادران سختگیر ، و اسیران در چنگال رسوم و عادات غلط ، و گرفتاران چشم همچشمی ، و در درجه بعد از خود پسران و دختران ، آن پسران و دخترانی که از عرصه گاه تقوا دورند ، و در مرحله سوّم باید از آنانی که قدرت فراهم آوردن بساط ازدواج را برای جوانان دارند ، ولی از انفاق مال در راه خدا بخل میورزند پاسخ خواست ، که هر پاسخ منطقی و عقلی و قابل قبول در این دنیا دارند ، حتماً همان پاسخ را در دادگاه عدل الهی در روز قیامت ، خواهند داشت!! .

## ۲ . تقوای الهی در خانواده و جامعه

### حقیقت تقوا

مصدر لغوی، و ریشه این کلمه معنوی، که زیباترین و اصیل ترین مفهوم را دارد " وقی " است. " وقی " به معنای خودنگهداری ، و پروا پیشگی ، و حفظ تمام موجودیت خویش در برابر محرّمات و نواهی الهیه است. " وقی " در حقیقت ، روحیه و قدرت و قوّت و توانی است که از طریق تمرین ترک گناه ، و ریاضت و ضبط نفس در برابر معصیت و لذائذ حرام بدست می آید. قدم برداشتن برای تحصیل تقوا ، و کسب روحیه خودداری از گناه بهترین قدم ، و در میان اعمال از پسندیده ترین اعمال است. تحصیل تقوا عبادت است ، عبادتی که به امر حضرت ربّ صورت می گیرد ، و از جمله برنامه هائی است که بدون تردید خشنودی حضرت حق را به دنبال خواهد داشت.

فلسفه انجام عبادات بدنی و مالی و اخلاقی ، تحقق تقوا در عرصه گاه حیات انسانی است. عبادت و حرکت و عملی که بوجودآورنده تقوا نباشد ، عبادت نیست. تقوا اساس کرامت ، ریشه شرافت ، و خمیرمایه سعادت ، و کلید خیر دنیا و آخرت است. یک جامعه مرکب از هزاران خانواده ، و یک خانواده مرکب از یک زن و شوهر و تعدادی فرزند است. در حقیقت مصالح بنای خانواده و جامعه افرادند ، اگر فرد فرد انسانها دارای روح تقواباشند ،

خانواده ای سالم ، جامعه ای خواهیم داشت که کلیه افراد آن نسبت به یکدیگر منبع خیر ، و همگان از شر و ضرر یکدیگر در امان خواهند بود.

براستی برای داشتن یک خانه سالم بر زنان و شوهران واجب الهی است ، که آراسته به تقوا باشند ، و لازم و ضروری است که تقوا این خواسته بامنفعت الهی را به فرزندان خود سرایت دهند ، و از ابتدای کار زمینه تحقق تقوا را در فرزندان خود فراهم آورند. چه نیکوست به منافع فراوان تقوا در آیات قرآن ، و روایات توجه کنید ، آنگاه به ارزیابی برخیزید و دورنمای این واقعیت را بنگرید ، که اگر تمام دختران و پسران آراسته به تقوا باشند ، و اینان با این مایه و سرمایه ملکوتی به ازدواج اقدام کنند چه خانه ای و چه جامعه ای بوجود می آید؟!

### تقوا و مراتب با ارزش آن

بیداران و بینایان ، و آنان که به تعبیر قرآن اهل بصیرت هستند ، و سفرهای روحی و معنوی را طی کرده اند ، برای تقوا سه مرتبه ذکر می کنند : تقوای خاصّ الخاص ، تقوای خاص ، تقوای عام

حضرت صادق(علیه السلام) در روایت بسیار مهمی این سه مرتبه را بدینگونه توضیح می دهند:

مرتبه اول تقوای بالله فی الله است و آن عبارت از ترک حلال است چه رسد به ترک شبهه و این تقوای خاصّ الخاص است.

مرتبه دوم تقوای من الله است و آن عبارت از خودداری از تمام شبهات است چه رسد به حرام و این تقوای خاص است.

مرتبه سوم تقوای برخاسته از خوف ، به خاطر عذاب جهنم و عقاب الیم خداوند است و آن عبارت از ترک تمام گناهان و محرمات است و این تقوای عام است .

البته منظور از ترک حلال در گفتار امام صادق(علیه السلام) به این معناست ، که صاحبان این گونه تقوا بسیاری از اموری که حلال است ، به دنبالش نمی روند ، زیرا به آنها احساس نیاز نمی کنند ، و در حلالی هم که به آن نیازمندان کمال قناعت را رعایت می کنند . قدرت بر قناعت برای همگان میسر است ، و اگر کسی ادعا کند برای من قوت بر قناعت نیست ، از او پذیرفته نمی شود . قناعت به حلال ، و محدود گرفتن امور مادی زندگی ، و پرهیز از داشتن خانه های آنچنانی ، و مرکب های گران قیمت ، و لباس های فوق العاده ، و انداختن سفره های رنگین ، کاری است اخلاقی ، و برنامه ای است پسندیده ، و زمینه ای است برای تحقق تقوای الهی در تمام شئون زندگی .

### تجمل گرائی و اسراف

تجمل گرائی و اسراف ، از نظر حق ، کاری شیطانی ، و امری ناپسند ، و برنامه ای مطابق با هوای نفس ، و شهوات حیوانی است . چه مانعی دارد ، که انسان در تمام زمینه های زندگی حدود الهی و بخصوص قناعت را رعایت کند ، که قناعت سبب راحت ، و مایه آزادگی ، و دوای اضطراب و دلهره و ناامنی باطن است . نیاز بدن به خانه ای درخور شأن ، و وسیله و مرکبی معمولی ، و لباس و خوراکی به اندازه برطرف می شود . در بنای زندگی باید از چشم همچشمی پرهیز داشت ، و به خرج معمولی خو گرفت ، و از برج و مخارج اضافی ، و تحصیل آنچه به عنوان تجمل و مُد مطرح است دوری جست . غرب را در قیافه و شکل زندگی اسوه و الگو و سرمشق قرار ندهیم ، آنان دچار خطاها و اشتباهات زیادی هستند ، صنعت و تکنیک عامل این معنا در ذهن ما نشود ، که هر چه گفتند و نوشتند ، و می گویند و می نویسند صحیح است ، و آنچه را از قیافه و شکل زندگی دارند مطابق با واقع است .

آنچه در آئین اسلام مهم است ، بهداشت روان و تن ، و شهر و دیار و محلّه و منطقه است ، آنچه در این فرهنگ مورد توجه است از امور مادی و معنوی و اخلاق و ایمان فردی و اجتماعی ، همان است که به مصلحت دنیا و آخرت انسان است. اسراف و تجمل گرایی ، و افتادن در خرج های سنگین، و آرایش شکل و قیافه ظاهر زندگی بدور از قناعت و اقتصاد ، حتی در مسئله مسجدسازی که محل عبادت مسلمانان است مورد مذمت این فرهنگ پاک و مدرسه انسان ساز است.

مساجد و خانه ها باید از نظر باطن در حدّ اعلای معنویت و از نظر ظاهر ، ساده و بی پیرایه باشد ، که دلها به هوا و هوس دچار نشوند ، و روی ارواح از حضرت حق فاصله نگیرد. لباس ساده تهیه کنید ولی آداب پوشیدن را رعایت نمائید ، خوراک در حدّ نیاز فراهم آورید ، ولی آداب خوردن را مراعات کنید ، مرکب سواری در حدود شأن خود تحصیل کنید ولی ادب رانندگی را از نظر دور ندارید، خانه برای زندگی بدست آورید ، ولی خانه ای که روح شما را به اسارت نبرد ، که این همه محصول تقوا و پرهیزکاری و توجه به حضرت حق است.

این زندگی یهودیان و مسیحیان است که از نظر خانه و اثاث آن ، و مرکب سواری ، و لباس و پوشاک ، و خوراک و تجملات در گردونه اسراف است. کلیساها و کنیسه های مسیحیت و یهودیت آراسته به زر و زیور ، و آلات و ادوات و مجسمه ها و عتیقه جات ، و تابلوها و مبل هائی است که میلیونها دلار قیمت آن است. زندگی خاخام ها و کشیشان و حتی پاپ رهبر مسیحیان در حدّی از اسراف و تبذیر است که موجب حیرت و شگفتی است ، اگر کلاه مخصوص و لباس پاپ را بفروشند ، میلیونها نفر را از گرسنگی نجات می دهند. اندوختن ثروت ، رباخواری ، و هزاران برنامه رسوای دیگر کار دشمنان خداست ، دوستان حق باید با خواسته های حق بسازند ، و از افتادن در اسراف و تبذیر خود را حفظ کنند.

## یکدیگر را به تقوا دعوت کنید

آراسته شدن تمام زنان و مردان به تقوای عام، یعنی ترک محرمات اخلاقی و شهوانی و مالی امکان دارد. بنابراین بر عموم مردم است که یکدیگر را با زبانی نرم، و اخلاقی خوش به تقوا دعوت کنند، و همدیگر را به ترک انواع محرمات تشویق نمایند، تا تقوا پرده ملکوتی و بساط عرشی خود را در پهن دشت حیات بگسترانند، و همگان بخصوص خانواده و جامعه از منافع آن بهره مند شوند

آراسته شدن به تقوا بر عموم مردم در همه شئون، بخصوص بر زن و شوهر، و سرایت دادن آن به فرزندان واجب الهی است. اهل حق و حقیقت می گویند: کودک امانت الهی است، و قلب و روح و نفس و باطن وی جوهر و تابلو و مایه پاکی است که از هر نقش و صورتی خالی است. این تابلوی بی نقش و نگار قابلیت پذیرش هر نقش و صورتی را دارد، اگر وی را در خانه به انواع گفتار و عمل و اخلاق خیر عادت دهند، و راه تعلیم حقایق را به روی او بگشایند، کودک به سعادت دنیا و آخرت می رسد، و پدر و مادر که باعث رسیدن او به چنین واقعیتی شده اند در ثواب او شریکند، و در این معنا معلمان کودک و آنان که عامل ادب او هستند سهیمند.

اما اگر پدر و مادر بر اثر آلودگی و بی تقوایی، نقوش شیطانی را بر صفحه قلب و جان و نفس کودک نقاشی کنند، و طفل در کنار آنان به پلیدی و رذائل اخلاقی گرفتار شود، و همچون حیوانات، تنها و تنها اهل شکم و شهوت بارآید، و به میدان شقاوت و هلاکت بنشیند، وزر و وبال او بدون تردید بر عهده آن پدر و مادر، یا آن معلم و مربی اوست.

**قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً .**

چنانکه پدر و مادر از درافتادن کودک به آتش تنور یا منقل، یا شعله گاز مواظبت می کنند، و از نزدیک شدن وی به خطر جلوگیری می نمایند، به طریق اولی باید از

گرفتار شدن کودک خود به آتش قهر حق در قیامت ، که محصول بی تقوائی و بد عملی ، و سوء خلق ، و نبودن ایمان و عمل صالح است جلوگیری کنند ، و راه عملی حفظ کودک از عذاب فردا ، در مرحله اول تقوا داشتن پدر و مادر ، و در مرحله بعد ، سرایت دادن تقوا به کودک است. پدر و مادر در جهت رشد طفل خود باید مبلّغی وزین و معلّمی کریم ، و دو فرد دلسوز ، و دو دعوت کننده به خیر باشند. آنان باید وجود خود را به تقوا و ایمان و عمل صالح آراسته کنند ، سپس به تأدیب و تهذیب کودک ، و تعلیم محاسن اخلاق به او ، و حفظ وی از رفیق بد ، و معلّم زشت خو بکوشند. آنان باید سعی کنند ، زینت و زیور خارج از حدّ ، و تجمل و اسراف ، و ثروت و مال محبوب قلب کودک نگردد ، تا فردا تبدیل به موجودی مسرف ، طمع کار ، حریص ، و غارت گر ، و هوس ران و خودسر نشود ، که اگر ساختمان جامعه از مصالحی پوک ، و به تعبیر دیگر از افرادی بی تقوا ساخته شود ، آن ساختمان بر سر خود آن جامعه خراب می شود ، و زندگی در آن جامعه برای همگان طاقت فرسا می گردد.

### نشانه های اهل تقوا

بزرگان دین نشانه های اهل تقوا را با استفاده از آیات قرآن و روایات در مسائل زیر می دانند: تحصیل علوم شرعیّه به اندازه ای که مکلف برای اعمال و اخلاق و معاملات و روابطش با خانواده و جامعه نیاز دارد. حفظ سلامت بدن از طریق رعایت بهداشت و عمل به آداب خوردن و آشامیدن اتصال به هوش و فراست در امور زندگی ، امین بودن در تمام جوانب حیات. حفظ عفت نفس ، راستگویی در کلام ، آراسته بودن به حسنات اخلاقی ، پیراسته بودن از رذائل ، پاک بودن از ریا و دورویی ، بیزاری از موادّ اضافی دنیا در زندگی ، مبرّأ بودن از مکر و عذر و خیانت ، اقدام به گرامیداشت اهل فضل و دانش ، روی آوردن به وظائف شرعیّه اعمّ از واجبات و نوافل ، دست زدن به دامن عالم ربّانی که انسان را با دین خدا ، و حلال و حرام آشنا می سازد ، و جز رشد و کمال آدمی را توقع ندارد، که روی

آوردن به غیر عالم ربّانی شقاوت و هلاکت است. و نیز از نشانه های اهل تقوا صبر در برابر حوادث، رعایت آداب و سنن اسلامی در همه امور، و ملازمت ذکر، و مداومت فکر، همراه با اخلاص نیت، و صفای باطن و مراقبت نفس است، تا با پیمودن این راه به علم یقین و از علم یقین به عین یقین و سپس به حق یقین برسند.

## زن و شوهر با تقوا

مرد باتقوا، برای تأمین مخارج خانه، جز به کسب حلال روی نمی آورد، و به غیر از مال حلال مالی قبول نمی کند، او با تحصیل حلال الهی مقید به رعایت حقوق تمام افرادی است که از طریق کسب و تجارت با او سروکار دارند، و به عبارت دیگر از وجود او در بیرون از خانه به بندگان خدا ضرر و زیان نمی رسد، او به خاطر تقوای الهی دور حرام نمی گردد، و گنج عفت نفس و قناعت را از دست نمی دهد. مرد باتقوا چون از کسب و کار فارغ شود، و به خانه باز آید، تمام کوفتگی و خستگی خود را کنار درب خانه می ریزد، و با نشاط و شادی و خوشدلی و خوشحالی وارد خانه می شود، به همسرش لبخند محبت می زند، و زحمات روزانه او را نسبت به نظافت خانه، و پخت و پز، و نگهداری فرزندان خسته نباشید می گوید، و وی را ارج می نهد، و با او و بچه ها با مهربانی و محبت برخورد می کند، و هر یک را درخور شأنش احترام می نماید. مرد باتقوا گاهی حلال و حرام، و معروف و منکر، و حسنات و سیئات را به اهل بیتش گوشزد می کند، و نمی گذارد آنان در مسئله دین و دینداری دچار غفلت شوند. مرد باتقوا، همه عمر و وقت خود را صرف بیرون نمی کند، و خنده و نشاط خود را تنها برای دوستان نمی برد، و در مسجد رفتن و شرکت در جلسات مذهبی راه افراط نمی پیماید. مرد باتقوا به این نکته توجه دارد، که اسلام رعایت اعتدال و اقتصاد را در تمام امور حتی در عبادات سفارش فرموده، و از کم گذاشتن از حق زن و فرزند به بهانه رفت و آمد با دوستان، یا شرکت در مجالس نهی فرموده است.



در اینجا باید بر اساس فرمان اسلام، عزیزان خود را که کارگردانان مساجد و هیئات هستند، سفارش کنم، که زمان جلسات را در مساجد و هیئات کوتاه کنید، به یک نماز جماعت و ساعتی بیان احکام و معارف و دقایقی ذکر مصائب اهل بیت قناعت کنید، این برنامه روش رسول حق و ائمه بزرگوار بوده، و آنان با وقت اندک، و قناعت در بیان، مردان و زنان بزرگی تربیت کردند. در هر صورت مرد باتقوا، در همه شئون زندگی آداب لازم را رعایت می نماید، و از این راه به استحکام بنای خانواده، و جلب محبت زن و فرزند کمک می نماید.

زن باتقوا، عفت و عصمت و پاکدامنی خود را حفظ می کند، با شور و شوق به کار خانه می رسد، زمینه رفع خستگی شوهر را که محصول کار بیرون است فراهم می نماید، از فرزندان خود به نحو شایسته نگهداری می کند، با شوهر و فرزندان بر اساس اخلاق اسلامی رفتار می کند، از عبادتش غفلت نمیورزد، خانه را کانون عشق و صفا، مهر و محبت، و شور و شوق می نماید. زن باتقوا از همسرش با تکیه بر اصول الهی اطاعت می کند، به خواسته های بحق او پاسخ مثبت می دهد، از عصبانیت و خشم و کبر می پرهیزد، با اقوام شوهرش با مهر و محبت و اخلاق اسلامی روبرو می شود، بوقت آمدن شوهر از عرصه کار و کسب تا درب خانه به استقبال می رود، و به وقت خروج شوهر وی را بدرقه می کند، و از وی می خواهد جز حلال خدا به خانه نیاور، که ما به حلال خداوند گرچه اندک باشد قناعت می کنیم، و زیر بار حرام نمی رویم، مبدا به بهانه داشتن زن و فرزند، و خرج و مخارج از محدوده مقررات الهی تجاوز کنی، و زندگی را به حرام آلوده نمائی. زن باتقوا از چشم همچشمی پرهیز دارد، و شوهرش را به خاطر همرنگ شدن با زندگی اقوام خود، یا اقوام شوهرش در تنگنا قرار نمی دهد و او را خجالت زده نمی کند. چنین زن و شوهری مقبول حق، و منبع خیر، و نمونه بارز انسان الهی هستند، و در سایه آن دو همان خانه ای بوجود آید که خدا می خواهد، و در فضای آن خانه فرزندان تربیت می شوند که حق، طلب می کند. در هر صورت زن و شوهر در تمام امور زندگی بر

اساس معارف الهی و قواعد اسلامی و قوانین فقهی باید همچون اولیاء الهی هوای یکدیگر را داشته باشند.

### ۳. اهداف والای ازدواج در اسلام

#### خانه پاک

پاک و پاکیزه ماندن یک جوان چه پسر و چه دختر، چه مرد و چه زن، در صورتی که ازدواج نکنند، از فساد و افساد، امر غیر ممکن به نظر می رسد. در چند میلیون مرد و زن، یافتن جوانی پاک، و انسانی باعفت و خوددار از گناه، بشرطی که ازدواج نکرده باشند، مسئله ای مشکل به نظر می آید. اگر جوانی را در پاکی و پاکیزگی ظاهر و باطن یافتیم، در حالی که ازدواج نکرده باشد، باید بگوئیم او از اولیاء الهی است.

ازدواج، این حقیقت الهی و طبیعی، آسان کننده پاره ای از مشکلات و عاملی برای تداوم پاکی جوانان، و حفظ عفت و تقوای آنان است. بنای یک خانه در جامعه در صورتی با سلامت و آرامش قرین می شود، که مرد و زنی با تحقق دادن ازدواج و رعایت حقوق یکدیگر در آن زندگی کنند. خانه مسلمان در هر سرزمینی که هست باید پرتوی از وحی، و جلوه ای از یاد خدا، و محصولی از رفعت و بلندی و عظمت، و میوه ای از تسبیح حق در شب و روز باشد.

**فِي بُيُوتِ الَّذِينَ أُذِنَ لَهُمْ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ، يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْعُدْوِ وَالْأَصَالِ .**

در خانه هائی که خداوند اذن داده، که بزرگ داشته شوند، و نام او در آنها یاد شود، و او را در آن خانه ها بامدادان و شبانگاهان به پاکی ستایند.

چنین خانه ای با چنان اوصافی خانه مؤمنی است، که طاعت و عبادت حق در آن رونق دارد، و به امر الهی مسئله ازدواج در آن صورت گرفته، و مرد و زن آن خانه به تمام حقوق

الهی و انسانی پای بند هستند. آری قرآن مجید به ازدواج امر می کند، تا مشکلات مرد و زن با تحقق این سنت تخفیف یابد، و دامن هر دو که دامن رحمت و تربیت است از آسودگی و فساد سالم بماند، و مرد و زن با تشکیل زندگی، و همسوئی با یکدیگر خانه را محل ذکر خدا، و تسبیح حضرت حق کنند.

در جوّ چنین خانه ای مرد و زن بنده واقعی حق ، و فرزندانشان میوه و ثمره فضیلت ، و اعمال و رفتار و اخلاق و کردارشان جلوه ای از آداب الهی و سنن و روش انبیاء گرام حق است. زن مؤمنه هنگامی که با مرد مؤمن ازدواج می کند ، و هر دوی آنها خود را موظّف به رعایت مسائل الهی می دانند ، به عنوان دو یار مددکار ، دو رفیق شفیق ، دو دوست همدم ، دو همراه و همراز و دو منبع ایمان ، و دو استوانه عشق و محبت ، فضای زندگی را از ورود مشکلات حفظ می کنند ، و چون مشکلی پیش آید ، به آسانی و سادگی آن را حلّ و فصل می نمایند ، و با اسلحه صبر و حلم ، و بردباری و حوصله به علاج درد برمی خیزند.

### بدترین مردم

تنهائی و تنها زیستن ، عزلت و کناره گیری از یار گرفتن موجب بسیاری از مشکلات ، و باعث افسردگی و دل مردگی ، و علت هیجانات روحی و عصبی ، و مورث انواع بیماریهای روانی و بدنی است. تنهائی انسان را در دریائی از خیالات ، اوهام ، افکار غیرمنطقی ، و بیماریهای اخلاقی و روانی فرو می برد ، و امواجی از مشکلات گوناگون را برای انسان به ارمغان می آورد.

قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ الْعُزَّابُ .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: اکثر اهل آتش در قیامت آنانی هستند که از ازدواج و تشکیل خانواده امتناع کردند.

و نیز آن حضرت فرمود: **شِرَارُ مَوْتَاكُمُ الْعُزَابُ** .

بدترین اموات شما عزبها هستند.

و در روایتی فرمود: **رُدَالُ مَوْتَاكُمُ الْعُزَابُ** .

فرومایه ترین مردگان شما عزب ها هستند.

و در سخنی حکیمانه بیان فرمود: **شِرَارُكُمْ عَزَابُكُمْ وَ الْعُزَابُ اِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ** .

شریرترین شما عزبهایند ، و عزبها برادران شیطانند.

و در کلامی عرشی و بیانی ملکوتی فرمود: **خِيَارُ أُمَّتِي الْمُتَاهَلُونَ وَ شِرَارُ أُمَّتِي الْعُزَابُ** .

بهترین امت من زن داران و بدترین آنان عزبها هستند.

و نیز آن حضرت فرمود: **لَوْ خَرَجَ الْعُزَابُ مِنْ مَوْتَاكُمُ إِلَى الدُّنْيَا لَنَزَّوَجُوا** .

اگر آنان که عزب مردند به دنیا برگردند ، حتماً ازدواج خواهند کرد.

تعبیر رسول باکرامت اسلام از آنان که از ازدواج امتناع می کنند به اهل آتش ، فرومایگان ، برادران شیطان ، اشرار ، و لعنت شدگان ، به خاطر این است که روی گردانان از ازدواج به ناچار در فساد و افساد ، و شیطنت ، و گناه و معصیت ، خواهند افتاد ، و برای جامعه و خانواده ایجاد مزاحمت نموده ، و باعث مشکلات فراوانی در تمام زوایای زندگی خواهند شد.

با توجه به آیات و روایات ، و تجربه حیات ، ازدواج انسان را کرامت و شرافت می دهد ، از علل استحقاق عذاب الهی می رهند ، از پستی و فرومایگی حفظ می کند ، از افتادن در بند شیطان مصون می دارد ، و از اینکه آدمی منبع شرّ و فساد شود ، و مورد لعنت حق

قرار گیرد در امان می دارد ، و این همه موجب راحتی و استراحت ، آرامش و امنیت ، پاکی و تقوا ، و آسان شدن موارد زندگی و سبک شدن بار حیات می گردد ، به همین خاطر در قرآن مجید بدینگونه به علت تشریح ازدواج اشاره فرمود:

يُرِيدُ اللهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ .

خداوند اراده فرموده برنامه زندگی را برای شما سهل و آسان نماید.

### شکوفائی استعداد

دختر و پسر هنگامی که بر اساس فطرت و طبیعت ، و به پیروی از دستور حق و روش انبیاء الهی ازدواج کردند ، و از پرتگاه عذاب الهی ، و شرارت باطن ، و بند خطرناک شیطان ، و دچار شدن به لعنت خدا ، که همه و همه از اوصاف مرد و زن عزب است نجات پیدا کردند ، و در سایه ازدواج به آرامش فکری ، و امنیت باطنی دست یافتند ، و بر مشکلات ناشی از عزب بودن فائق آمدند ، و از درد سر تنها زیستن شفا گرفتند ، و به محیطی الهی و ملکوتی رسیدند ، و زمینه تفکر صحیح و آینده نگری برای آنان فراهم شد ، و طغیان شهوات و غرائز فرو نشست ، بدون تردید راه برای شکوفائی استعدادهای نهفته در باطن باز می شود ، و بر درخت زندگی محصولات و ثمرات و نتایج عالی می نشیند.

بسیاری از رجال دانش ، و مردان بزرگ ، و دانشمندان و علمای اسلامی را ، صفحات تاریخ نشان می دهد که پس از ازدواج راه صد ساله را یک شبه طی کردند ، و در سایه ازدواج که موجب آرامش و امنیت خاطر آنان گردید به مقامات بلند و بزرگی از علم و دانش رسیدند ، و در علم و تقوا ، و پاکی و کرامت و خدمت و عبادت زبانزد خاص و عام شدند.

در کتاب زندگانی آیت الله بروجردی در صفحه ۹۵ می خوانیم: در سال ۱۳۱۴ که بیست و دو بهار عمر را پشت سر می گذاشت ، پدرش نامه ای به وی نوشت ، و او را به بروجرد احضار کرد ، او گمان می کرد پدرش می خواهد او را برای ادامه تحصیل به نجف اشرف که بزرگترین حوزه علمیه شیعه بود بفرستد ، ولی پس از ورود و دیدار پدر و بستگان ، مشاهده می کند که به عکس انتظار وی ، مقدمات ازدواج و تأهلش را فراهم کرده اند. از این پیش آمد آندوهگین می شود ، و چون پدرش متوجه می گردد و علت آندوه و تأثر او را می پرسد می گوید: من با خاطر آسوده و جدیت بسیار سرگرم کسب علم بودم ، ولی اکنون بیم آن دارم که تأهل میان من و مقصودم حائل گردد ، و مرا از تعقیب مقصود و نیل به هدف باز دارد. پدر به وی می گوید: فرزند این را بدان که اگر به دستور پدرت رفتار کنی امید است که خداوند به تو توفیق دهد تا بتوانی به ترقیات مهمی که در نظر داری نائل شوی ، احتمال این را هم بده که اگر ترتیب اثر به این آرزوی پدر ندهی ، با همه جدیتی که در تحصیل داری بجائی نرسی!! گفته پدر تأثیر بسزائی در وی می بخشد و او را از هر گونه تردید بیرون می آورد و سرانجام پس از ازدواج و اندکی توقف مجدداً به اصفهان برگشته پنج سال دیگر به تحصیل و تدریس علوم فنون مختلفه اهتمام میورزد.

همسر وفادار و هم کفو او در اصفهان آنچنان وسائل راحت و آرامش و امنیت آن مرد بزرگ را فراهم می آورد ، و به عنوان یاری مهربان ، معاونی شفیق ، خدمتگزاری متین ، دلسوزی مهربان ، زمینه انواع ترقیات شوهر گرانمایه اش را تحقق می دهد ، که در آن پنج سالی که در اصفهان با آن زن باکرامت می زیست از علوم و فنون متداول بهره ها گرفت ، و چنان با نشاط و پشتکار مشغول تحصیل بوده که بعضی شبها تا سپیده دم سرگرم مطالعه بوده است ، بطوری که خود آن بزرگ مرد بارها می فرمود ، در مواقع بیکاری به حفظ قرآن مجید همت می گماشت و در نتیجه توانست در عرض مدتی که در اصفهان بود از اوّل تا آخر سوره برائت را حفظ کند ، و تا آخر عمر نیز آن را از حفظ داشت و پیوسته به حفظ و قرائت و مداومت آن اهتمام میورزید!

مرحوم علامه طباطبائی صاحب تفسیر قیم المیزان ، قسمتی از کمالات و ترقیات علمی و معنوی خود را مرهون همسر باکرامت خویش می دانستند. آری ازدواج علت آرامش و امنیت ، و زمینه تحقق کمالات ، و شکوفائی استعدادهاست.

### کوشش برای خانه و خانواده عبادت است

ازدواج و همسررداری و توجه به امور فرزندان علاوه بر آثار مثبت دنیائی ، ثمرات عجیب معنوی برای انسان دارد. کار و کوشش مادی در جهت تأمین زن و فرزند ، در فرهنگ پاک اسلام عبادتی بزرگ و مساوی با جهاد در راه خدا شمرده شده ، تا جائی که از معصوم روایت شده:

وَالْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حِلٍّ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ .

آنکه برای تأمین خانواده اش زحمت می کشد ، تا از حلال خدا نفقه آنان را فراهم کند ، مانند مجاهد در راه خداست.

از آنجا که رعایت حق زن و فرزند ، و توجه به امور معنوی آنان و رعایت حق شوهر از جانب زن ، و حق فرزند از طرف مادر کاری دشوار و سنگین است ، و در حقیقت اجرای دستور حضرت حق است ، همانند کوشش برای تأمین امور مادی آنان عبادت ، و موجب اجر و ثواب اخروی است. پرورش نسل صالح ، و تحویل دادن فرزندان شایسته و نیکوکار ، امری مهم و باعث جلب رضایت حضرت حق است. خانه و اهل خانه را از فساد و افساد دور داشتن ، و فراهم کردن زمینه رشد و تربیت و تکامل زن و فرزند از اهمّ امور ، و از بهترین نوع عبادت و بندگی خداست.

امام چهارم(علیه السلام) در گفتار حکیمانه ای فرموده اند ، هر کس نسبت به زن و فرزند سفره مادی و معنوی را کامل و تمام بیندازد ، به خوشنودی حق از دیگران نزدیکتر است .

سعادت و شقاوت انسان در درجه اول از پدر و مادر به انسان منتقل می شود ، اگر پدر و مادر در تحقق سعادت فرزند بکوشند دست به عبادتی بزرگ زده و از منافع ابدی ازدواج بهره گرفته اند ، و اگر عامل شقاوت شوند از شجره طیّبه ازدواج منفعت نبرده بلکه با دست خود سفره خسارت خویش را پهن کرده اند. به همین خاطر در روایات عالی اسلامی از رسول حق نقل شده:

الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمَّهِ ، وَالسَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمَّهِ .

ریشه شقاوت هرکس شقی است در سرزمین وجود مادر ، و سعادت سعید از باطن مادر است.

### در مسئله ازدواج والاترین هدف را منظور داشته باشید

هدف انسان از ازدواج باید هدفی معنوی و مقدس و پاک باشد، ازدواج باید برای اطاعت از دستور حق و پیروی از روش انبیاء و برای تأمین سعادت همسر و تربیت الهی و ملکوتی فرزندان صورت بگیرد. زن و مرد در مسئله ازدواج باید خود را آماده ورود در یک عبادت بزرگ کنند. زن و مرد باید در ازدواج خوشنودی حق را منظور نظر بدانند و بدانند که هر دوی آنان از طریق صلب و رحم امانتدار حضرت حقند. باید بدانند که فرزند آنان که امانت حق است در مدتی کوتاه مهمان صلب پدر و بین شش تا نه ماه مهمان رحم مادر است، و در این دو مدت با گیرندگی دقیقی که حضرت حق به وی عنایت فرموده از تمام وجود پدر و مادر تمام حالات و مشخصات را بدون اختیار به خود منتقل می نماید.

نقل می کنند رسول حق به زنان باردار اجازه می دادند گاهی به تماشای جبهه حق علیه باطل بیایند ، تا مناظر زیبای جهاد و شمشیر زدن در راه حق را ببینند ، و به شعارهای الهی و ملکوتی رزمندگان گوش جان بسپارند ، تا از طریق دیده و شنیده خود فرزند در



رحم را تغذیه کنند ، برای اینکه طفل ، در رحم مادر موجودی ورزیده شود ، و شجاع و باهمت و همراه با آوای ملکوتی رشد کند.

واسطه بین شما و ازدواج چشم نباشد ، دلال ازدواج شهوت نباشد ، هدف از ازدواج رسیدن به مال و ثروت و مقام و جاه از جانب خانواده طرف مقابل نباشد ، رسیدن به چهره زیبا و ظاهر فریبنده هدف این برنامه نباشد ، که این امور تاکنون نشان داده عاقبت خوشی نداشته ، و ثمره و میوه آن اندک بوده است . بیائید خدا و معنویت و عبادت ، و کوشش برای رعایت حق همسر ، و تربیت اولاد صالح و خلاصه جلب رضای حق را در مسئله ازدواج هدف قرار بدهید ، تا ثمره این ازدواج منافع ابدی و دائمی باشد.

ازدواج اگر الهی باشد راه به طلاق پیدا نمی کند ، پیوند الهی و ملکوتی دائمی و همیشگی است . آنکه برای خدا ازدواج می کند ، حق همسر را با تمام وجود رعایت می نماید ، و کمترین آزاری از ناحیه او به همسر وارد نمی شود . حفظ آبروی همسر در برابر فرزندان و بستگان واجب شرعی است ، و تحقیر زن از جانب شوهر و شوهر از جانب زن حرام الهی است . مردان و زنان مسلمان باید ازدواج امیرالمؤمنین و حضرت زهرا (علیهما السلام) را اسوه و سرمشق خود قرار دهند ، آن ازدواج والائی که برای خدا صورت گرفت ، و اهداف الهی و عرشی در آن منظور شد ، و ثمره آن فرزندان پاک ، الهی ، و ملکوتی شد .

روایات شیعه آیات زیر را به این ازدواج پاک تأویل کرده اند:

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ، يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ .

دو دریا را به هم درآمیخت و میان آن دو دریا فاصله ای است که تجاوز به حدود یکدیگر نمی کنند ، از آن دو دریا لؤلؤ و مرجان بیرون می آید .

منظور از دو دریا ، وجود امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا است ، که دو دریای معرفت ، بینش ، حلم ، صبر ، ایمان و بصیرت اند ، و مقصود از برزخ و فاصله رسول باکرامت اسلام ، و معنای لؤلؤ و مرجان حضرت حسن و حسین (علیهما السلام) است .

## نظام خانواده در مغرب زمین

نظام خانواده در اروپا و آمریکا نظامی غلط است ، بی پایه و بدون محتواست . تقلید از نظام خانوادگی مغرب زمین تقلیدی نابجا ، و هموار کردن راه حیات برای افتادن در چاه بدبختی است . آنان از ازدواج هدفی مقدس و پاک ندارند ، واسطه ازدواج زن و مرد آنجا فقط و فقط شهوت و ارضاء غریزه است ، آنجا زن و مرد شایسته و صالح بسیار کم است ، به همین خاطر فساد و افساد از سر و روی اروپا و آمریکا مانند باران بهاران می ریزد . مردان در مغرب زمین به طور اکثر ، و زنان بطور اغلب پس از گذراندن دوران فساد ، و رفاقت های نامشروع با یکدیگر ازدواج می کنند ، و ثمره خود را پس از ولادت به شیرخوارگاه سپرده ، و سپس بدون اینکه مهر پدری و محبت مادری را چشیده باشد ، و منبعی از عواطف و احساسات پاک گشته او را تحویل می گیرند ، و سر هر سفره فسادی می نشانند ، آنگاه وی را به مدرسه می سپارند تا آهنگی از تربیت ظاهر را طی کند ، و به اصطلاحاتی چند آشنا گردد ، آنگاه در سن هیجده سالگی وی را از خود می رانند و به امید محیط و جامعه رهایش می نمایند! آنان اگر اخلاق به فرزندان خانه و مدرسه بیاموزند ، اخلاق ژنتلمنی است ، اخلاق اقتصادی و جلب مادیت است ، به ریشه های باطن و حقایق درون توجه ندارند ، و از تربیت انسان قابل قبول عاجزند . مگر نمی بینید وقتی تشکیل جامعه و دولت می دهند ، جامعه منبع فساد و دولت منبع استعمار و استثمار مستضعفان روی زمین است . جنایاتی که فارغ التحصیلان خانه و مدرسه و دانشگاه های مغرب زمین کرده اند تا قیامت قابل جبران نیست .

آری تربیت اروپا و مغرب زمین تربیت گربه ای است، تا غذای خاص خود را به خیال خود نبیند، آرام و مؤدب هستند، چون چشمشان به طلا و نفت و سایر معادن ملل ضعیف بیفتد، برای بلعیدن حق دیگران، چراغ تربیت را به زمین انداخته و همچون حیوان درنده ای، به تمام حیثیات مادی و معنوی ملل ضعیف حمله می کنند، و برای امور مادی از میان جوی خون بی گناهان عبور می کنند.

کثرت فساد و افساد، غلبه شهوات حرام، اخلاق زشت، قتل و غارت، فحشا و منکرات، در ملل مغرب زمین محصول خرابی نظام خانه و خانواده است. اگر بیوت اروپا و آمریکا بیوت بارفت، و بیوت غرق ذکر حق، و بیوت تسبیح حضرت معبود بود، محصولات آن بیوت انسانی‌هایی والا و باکرامت و رشید و باعاطفه و متخلّق به اخلاق حق بود، ولی چون بیوت مغرب زمین از حق و حقیقت دور است، ثمرات آن تلخ و بدبو و بدمزه است، و چنین نظام از هم پاشیده ای قابل سرمشق قرار دادن نیست، کسانی که از آنان پیروی می کنند بدتر از آنان خواهند شد.

#### ۴. موقعیت زن در تاریخ بشر و اسلام

##### انحراف فکری انسان گمراه نسبت به زن

اقوام و مللی که بر اثر کبر و نخوت از تعالیم حق، که به وسیله کتب آسمانی، و زبان پاک انبیاء تبلیغ می شد جدا می زیستند، در تمام امور جهان و انسان دچار انحراف فکری شدند، و نسبت به هستی و مخلوقات آن بطور اغلب، در قضاوت خود به تاریکی ره سپردند، و مسائلی دور از حقیقت، و مطالبی خلاف واقعیت گفتند، و بر اساس همان برداشتهای غلط و قضاوت های ظالمانه زندگی کردند، و از این طریق ظلم سنگینی بر خود و دیگران روا داشتند، و صفحات تاریخ حیات را به زشتی و پلیدی نقاشی کردند. از

جمله قضاوت های آنان نسبت به زن بود ، که قضاوتی دور از حقیقت ، و امری خلاف اخلاق و انسانیت ، و برنامه ای ضد حق و واقعیت بود.

من در مطالعاتم در کتبی که در این زمینه نوشته شده چه کتب غربی و چه کتابهای تألیف شده در شرق به این نتیجه رسیدم ، که اقوام و ملل جدای از حق و بریده از وحی ، و فرورفته در هوای نفس و غرق افکار غلط چه در غرب و چه در شرق ، نسبت به زن ده گونه قضاوت ظالمانه و دور از منطق عقل و زبان انسانیت داشتند.

۱- موجودی است صد در صد ضعیف و ناتوان: بر این اساس باید نسبت به مرد در تمام جهات ، بی چون و چرا تابع و فرمانبردار و محکوم باشد ، و حق مداخله در هیچ کاری را حتی در چهارچوب خانه شخصی ندارد.

۲ - موجودی است دارای روح شیطانی: بر این ملاک یا صد در صد خارج از حدود انسانیت است ، یا اگر بهائی به او داده شود چیزی بین انسان و حیوان است ، روی این حساب فاقد ارزش می باشد ، و قابل احترام نیست ، و برای وی هیچ گونه شخصیتی نمی توان تصوّر کرد.

۳- برای او مالکیت و اختیار داری نسبت به اشیاء و عناصری که قابل ملکیت است وجود ندارد، اگر مرد صلاح بداند می تواند مالک شود، آن هم نه هر چه را بخواهد.

۴- از جانب ارث گذارندگان هیچ گونه ارثی نمی برد ، بلکه خود او از عناصر ارث است که پس از مرگ پدر یا شوهر به دیگران ارث می رسد!!

۵ - عبادت و بندگی و ورود در حوزه معنویت حق او نیست ، چون عبادتش فاقد ارزش است ، و اجر و مزدی برای عبادت ندارد زیرا از نظر عقلی بسیار ضعیف و موجودی بوالهوس است.

۶- از نظر حقوقی و قضائی لیاقت انتساب به پدر و پسر خود را ندارد، تنها چیزی که رابط بین آنهاست خون است، فقط می توان او را نسبت به پدر و پسرش هم خون خواند، نه فرزند پدر و مادر فرزند!

۷- چون شوهر کرد فرزندان وی نوه پدر او نیستند، بیگانگی بین پدر زن و فرزندان زن حکومت قطعی دارد، نسبت از جانب اولاد ذکور است.

۸- بین او و مرد در مسئله مرگ تفاوت کلی وجود دارد، مرد پس از مردن باقی، و زن پس از پایان عمر فانی است.

۹- در تصرف عنوان شیئیت است، روی این حساب مرد هرگونه تصرفی در مال و ثروتش دارد، همان تصرف را نسبت به زن دارد، می تواند او را قرض بدهد، به اجاره واگذار کند، ببخشد، بفروشد، اخراج کند و نهایتاً به قتل برساند.

۱۰- کالای شهوت است تنها برای لذت بری مرد آفریده شده، و مرد هم در لذت بری و بهره گیری از او قانونی نمی شناسد، در این قسمت دهم اروپا و آمریکای جدای از نبوت انبیا آنچنان نسبت به زن راه افراط پیموده، که حدی برای آن نیست، زن در قسمت عمده ای از مغرب زمین کالای سینما، تلویزیون، ویدئو، ماهواره و انواع مجلات برای جلب و جذب مشتری بیشتر، و درآمد مالی سنگین تر برای مؤسسات حیوانی و شهوانی است!!

### پاسخ اسلام به انحرافات فکری انسان گمراه نسبت به زن

اسلام آئین و دین الهی است، اسلام فرهنگ فطرت و آهنگی هماهنگ با تمام شئون انسان و انسانیت است، نظام مسائل و قوانین در اسلام از جانب خداوند بزرگی است که بنای ساختمان انسان را بنا نهاده، او که می داند انسان چیست و کیست و دارای چه ظاهر و باطنی است، بر اساس کیان و حیثیت و موجودیت او قانون وضع کرده، و وی را

به حقایقی که باید برسد هدایت نموده است. اسلام در پاسخ یاهو های دهگانه ای که در طول تاریخ حیات نسبت به زن گفته شده ، و آنها را در افکار و اندیشه ملل رسوخ داده و به عنوان فرهنگ درآورده بود چنین می گوید:

۱ - خلقت زن و کیفیت وجود او همانند مرد است و صد در صد مصداق حقایق و واقعیاتی است ، که حضرت حق از خلقت او هدف داشته ، و با تمام وجود محقق به حقیقت انسانیت است و خلاصه با تمام حیثیت انسان است انسانی که:

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿التین، ۴﴾

به حقیقت که انسان را در نیکوترین سیرت و صورت آفریدیم.

صَنَعَ اللَّهُ الَّذِي أَنْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ ﴿النمل، ۸۸﴾

صنع خداست ، خدائی که هر چیزی را در کمال اتقان و استحکام ساخته که او به آنچه انجام می دهید آگاه است.

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ. ﴿السجده، ۷﴾

خدائی که هر چیزی را به نیکوترین وجه آفرید.

۲ - برای زن روح الهی و انسانی محض قرار داده شده ، همان روحی که از جانب حق در او دمیده شد و او را به خاطر این روح امتیازی خاص بخشید و وی را منبع ظهور کمالات قرار داد ، روحی که با روح مرد تفاوت ندارد ، هویتی که با هویت مرد یکسان است ، گوهری که با گوهر ذاتی مرد یکی است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً .

ای مردم از پروردگارتان پروا کنید که همه شما را از یک انسان آفرید، و همسر او را از جنس او خلق کرد، و از آن دو نفر مردانو زنان فراوانی در روی زمین منتشر کرد.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا .

از نشانه های قدرت خداوند این است که همسران شما را از جنس شما قرار داد تا به وسیله آنها آرامش یابید.

در تفسیر عیاشی از حضرت باقر(علیه السلام) روایت شده که خداوند حوا را از باقی مانده خاک آدم آفرید.

نوع این آیات نشان می دهد که در خلقت زن از نظر ظاهر و باطن کمی و کاستی وجود ندارد ، و روح او همان روحی است که از جانب حق در او دمیده شده و بالقوه موجودی کامل ، احسن ، و اتقن است که می تواند از استعداد و فطرت و روح و عقل خود ، در سایه هدایت حق کمک گرفته به عالیترین مقامات معنوی برسد ، و می تواند از همه واقعیات و حقایق چشم پوشی کند و به اسفل سافلین وارد شود.

۳- او دارای حق مالکیت است ، و محصول زحمات او در زمینه های کارهای پسندیده و مشروع حق خود اوست ، و مسئله مالکیت او و تصرفاتش در آنچه ملک اوست بدون کم و کاست همانند مرد است.

وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى .

و برای آدمی جز آنچه به سعی خود انجام داده نخواهد بود.

آری انسان مالک سعی و کوشش و عمل و حرکت خود است ، و این واقعیتی است که حضرت حق در دنیا و آخرت به هر انسانی چه زن و چه مرد واگذار کرده است.

لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا .

و برای شما مردان حلال نیست که چیزی از مهریه آنان را که به آنها پرداخت کرده اید بگیرید.

امام صادق(علیه السلام) در روایتی می فرمایند:

السَّرَاقُ ثَلَاثَةٌ : مَانِعُ الزَّكَاةِ ، وَ مُسْتَحِلُّ مَهْوَرِ النِّسَاءِ وَ كَذَالِكَ مَنْ اسْتَدَانَ وَ لَمْ يَنْوِ قِضَاءَهُ .

دزدان سه نفرند: آنکه از پرداخت زکات بخل ورزد ، آنکه خوردن مهریه همسر خود را حلال دانسته و به او نپردازد ، و کسی که از مردم وام بگیرد و قصد پرداخت آن را نداشته باشد.

وَ الَّذِينَ يَتَوَقَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ

مردانی که بمیرند و زنانشان زنده مانند ، باید وصیت کنند که آنها را تا یک سال نفقه دهند ، و از خانه شوهر بیرون نکنند.

و غیر از مهریه و وصیت به مخارج زن پس از مرگ شوهر ، در زمان بعد از طلاق سفارش او را به مردان فرموده اعلام می کند:

وَ لِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ .



و برای همه زنان طلاق داده شده هدیه مناسبی است « که از جانب شوهر پرداخت می گردد » ، این حقی است بر عهده مردان پرهیزکار.

۴ - زن از پدر و مادر و از شوهر و از فرزندان خود ارث می برد:

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ .

بر شما نوشته شده ، هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد ، اگر مالی از خود به جای گذارده ، وصیت برای پدر و مادر و نزدیکان بطور شایسته کند ، این حقی است بر پرهیزکاران .

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ ، وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا .

این آیه شریفه در صدد مبارزه با عادات و رسوم غلطی است که زنان و کودکان را از حق مسلم خود محروم می ساخت ، و این رسم ظالمانه مربوط به اعراب بود ، و آیه شریفه خط بطلان بر این رسم خائنانه کشید و فرمود:

مردان سهمی از اموالی که پدر و مادر و نزدیکان بجای می گذارند دارند ، و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می گذارند سهمی هست ، خواه آن مال کم باشد یا بسیار ، این سهمی معین شده و واجب الاداء است .

۵ - عبادت زن در پیشگاه حق همانند عبادت مرد ، دارای ارزش و قیمت است ، و بهشت و اجر و مزد حق ، و ثواب بر بندگی اختصاص به مردان ندارد ، عنایت و رحمت خداوند بهره ابدی عباد اوست چه مرد و چه زن .

در قرآن مجید می خوانیم:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوَةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ .

کسی که عمل شایسته بجا آورد از مرد یا زن ، در حالی که مؤمن است به او زندگی پاکیزه می دهیم ، و پاداش قیامتی آنان را به بهترین اعمالی که انجام داده اند خواهیم داد از صریح آیه شریفه استفاده می شود که تنها معیار در میزان حق ایمان و عمل صالح انسان است که میوه ایمان اوست ، قید و شرط دیگری برای کسب حیات طیبه و اجر آخرتی در کار نیست نه از نظر مرد بودن و زن بودن و نه از نظر سن و سال و نه از نظر نژاد و قبیله و جنسیت و نه از نظر پایه و رتبه ظاهری .

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ ، وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ، وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ ، وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ .

برترین زنان بهشت چهار زن هستند: خدیجه دختر خویلد ، فاطمه دختر محمد(صلی الله علیه وآله وسلم) و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم .

زن اگر اهل عبادت و بندگی حق و ایمان و معرفت باشد البته دارای حیات طیبه و اجر عظیم نزد خدا خواهد شد ، و اگر مانند مردان فاسق به بی دینی و فساد گرایش پیدا کند اهل عذاب ابد خواهد شد .

همسر نوح و لوط به خاطر اینکه آئین الهی را نپذیرفتند ، و بر انکار خود اصرار ورزیدند به فرموده قرآن اهل عذاب و خلود در جهنم هستند .

ضَرَبَ اللهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطَ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَا هُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ .

خداوند برای اهل کفر زن نوح و زن لوط را مثل زد ، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان شایسته ما بودند ، ولی به آن دو پیامبر خیانت ورزیدند و رابطه آنها با این دو پیامبر سودی به حالشان در برابر عذاب خدا نداشت ، و به آنها گفته شد وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می شوند .

سوره مریم در قرآن مجید ، و سوره دهر و آیات مربوط به همسر مؤمنه فرعون همه و همه نشان دهنده این معناست که زن در مسئله عبادت از موقعیت والائی برخوردار است ، و در قیامت از اجر عظیم و ثواب فوق العاده ای بهره مند است ، و این همه مشتمل بر دهان یاوه گویان تاریخ است که گفتند و می گویند که عبادت زن را جایگاهی در نزد خدا و ادیان نیست .

۶ - فرزند پدر و مادر خویش و مادر فرزندان خود است ، و احدی را نمی رسد که وی را از این انتساب خلع کند ، که خلع این نسبت امری ظالمانه و کاری خائنانه است .

قرآن مجید دختر را همانند پسر اولاد واقعی پدر و مادر می داند و وی را چون شوهر کرد و اولاد دار شد مادر اولاد می داند .

در قرآن از اینکه اعراب فرزند دختر خود را زنده به گور می کردند ، خشم خود را نسبت به این جنایت اعلام فرموده و از آن عمل قبیح در رابطه با اینکه به فرزند خود ظلم می کنید نهی اکید فرمود: **وَلَا تَقْتُلُوا اَوْلَادَكُمْ مِنْ اِمْلَاقٍ .**

فرزند دختر خود را از ترس تنگی معیشت به قتل نرسانید .

ملاحظه می کنید در صریح آیه شریفه از دختر به عنوان فرزند یاد می کند ، یا در آیه مربوط به ارث می فرماید: **يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ .**

سفارش خدا به شما نسبت به اولادتان این است که در مسئله ارث برای پسر دو برابر دختر سهم قرار دهید.

در صریح آیه شریفه از دختر تعبیر به اولاد فرموده است ، و این رویه قاطعی علیه یاوه سرایان تاریخ است. اما مادر فرزندان خود هستند در قرآن مجید می فرماید:

**وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنَ كَامِلَيْنِ .**

مادران فرزندان خود را تا دو سال کامل شیر بدهند.

در رابطه با داستان موسی در قرآن مجید فرموده: **وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ . . .**

و ما به مادر موسی وحی کردیم.

رسول خدا درباره حضرت زهرا(علیها السلام) فرمود: **فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي .**

فاطمه پاره تن من است.

و در روایت دیگر فرمود: **أَوْلَادُنَا أَكْبَادُنَا .**

فرزندان ما چه دختر چه پسر جگرهای ما هستند.

۷ - اولادهای او بدون تردید نوه پدر او هستند ، توجه بسیار شدید رسول خدا به حسن و حسین به عنوان دو نوه عزیزش ، خط بطلانی است بر یاوه گوئی جاهلان تاریخ که می گفتند فرزندان متولد شده از زن پدر آن زن نیستند.

فقه اسلامی می گوید تمام کسانی که مادرشان سیده است پیوند قطعی با پیامبر دارند ، و حتی مرجع بزرگ شیعه سید مرتضی فتوا داشت که می توان به کسانی که از طریق مادر وابسته به رسول حقند خمس داد.

۸ - زن با مرگ فانی نمی شود ، بلکه همانند مرد دارای بقا و حیات ابدی و در صورت بندگی حق مخلد در بهشت ، و در صورت دوری از عبادت مخلد در عذاب است ، بیش از هزار آیه قرآن در رابطه با قیامت این معنا را صریحاً نشان می دهد.

۹ - شیئی نیست ، بلکه به صریح آیات کتاب حق موجودیست عاقل ، بالاراده و در گوهر خلقت و مایه طبیعت با مرد یکی است ، و از تمام خصوصیات و امتیازات انسانی و الهی برخوردار است.

۱۰ - کالای شهوت نیست ، بلکه شریک مرد ، و عامل بقاء نوع ، و تشکیل دهنده نیمی از زندگی است، و ازدواج با او در صورت نیت پاک عبادت ، و برخورد صحیح و سالم با او موجب توشه آخرت و سلامت حیات اخروی انسان است.

در قرآن مجید فرمود:

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لَأَنفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ .

با تعبیر لطیف و پر معنای حرث « کشتزار » می خواهد ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی مجسم کند ، که زن یک وسیله اطفاء شهوت نیست بلکه زمینه پاک و وسیله پاکیزه ای برای حفظ حیات نوع بشر است.

این سخن در مقابل آنهایی که نسبت به جنس زن همچون یک بازیچه و وسیله هوسبازی می نگرستند و می نگرند هشدار جدی محسوب می شود.

"و قدموا لانفسكم": با آمیزش با زن برای آخرت خود توشه بفرستید ، اشاره به این حقیقت است که هدف نهائی از آمیزش جنسی تنها لذت و کامجویی نیست ، مردم مؤمن باید از این موضوع برای ایجاد پرورش فرزندان شایسته استفاده کنند ، و این خدمت مقدس را به عنوان یک ذخیره معنوی برای فردای خود از پیش بفرستند ، و به این ترتیب قرآن هشدار می دهد که در انتخاب همسر اصولی را رعایت کنید که نتیجه آن پرورش فرزندان صالح ، و تهیه این ذخیره بزرگ اجتماعی و انسانی باشد.

چون مطلب مورد بحث در ابتدای آیه که عبارت از آمیزش جنسی می باشد بسیار مهم است، و سر و کار با پرجاذبه ترین غرایز انسان دارد که همان غریزه جنسی است با جمله و اتقوا الله انسان را به دقت در امر آمیزش جنسی و توجه به دستورات حق دعوت فرموده ، سپس در پایان آیه توجه می دهد که در روز قیامت به ملاقات حق و نتایج اعمال خود خواهند شتافت و در قسمت اخیر آیه به افراد باایمان که در برابر این دستورات که به سود زندگی مادی و معنوی آنهاست تسلیم هستند بشارت داده می فرماید « و بشر المؤمنین »

در روایت بسیار مهمی از حضرت صادق(علیه السلام) ارزش و عظمت این کانون محبت را بدینگونه نشان می دهد: وقتی حوا آفریده شد آدم به حضرت حق عرضه داشت: خداوندا این آفرینش زیبا چیست که قرب و نگاه به او مرا از تنهائی نجات می دهد ، و برایم ایجاد انس و الفت می کند ، خطاب رسید ای آدم این کنیز من است ، دوست داری با تو باشد ، انیس تو گردد ، با تو هم سخن شود ، و تابع خواسته های به حق تو باشد ؟ عرضه داشت آری . خطاب رسید بنابراین تا زنده ای به خاطر این یاری که برای تو قرار داده ام مرا سپاس و شکر کن!!

آری وجود زن صالحه ، و همسر باوفا ، نعمت حق است ، و تا پایان عمر بر این نعمت ارزنده حمد و سپاس لازم است. امام ششم می فرماید: بیشترین خیر در زنان است. أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ .

روایت عجیبی است ، که منبع اکثر خیر را زن دانسته ، آری ازدواج با زن حفظ نصف دین ، و رعایت حقوق او عبادت ، و محبت به او طاعت حق ، و پیدا کردن فرزند صالح از او توشه آخرت ، و خدمت به او موجب رضایت حق ، و به تعبیر رسول خدا درباره زنانی که مادرند: بهشت زیر پای مادران است ، و این همه است آن اکثر خیری که امام صادق(علیه السلام) فرموده است.

### باز هم نظری به تاریخ نسبت به حیات و موقعیت زن

ددمنشی مردم جاهلی تاریخ نسبت به جنس زن فوق العاده شگفت آور است. آنان که جدای از منطق حق و نور وحی می زیستند ، زن را همچون ابزار و وسیله برای زندگی بوالهوسانه مرد می شناختند ، و وی را عامل تهیه انواع لذت ها برای مرد می دانستند . خواندن و نوشتن را برای او خطرناک می دانستند ، و از خانه بیرون رفتن را برای امور طبیعی زندگی و دید و بازدید ارحام مجاز نمی دانستند. مکان زندگی او را منحصر به چهار دیوار خانه قلمداد می کردند ، و وی را در مقابل مرد که موجودی فعال ما پشاه می پنداشتند بی اختیار می دانستند. در مناطق مسیحی نشین که صد و هشتاد درجه از آئین الهی مسیحیت انحراف داشتند ، می گفتند: زن را باید مانند دهان سگ دهن بند زد ، و مردد بودند که روح زن آیا روح بشری یا روح حیوانی است!! در آفریقا زن حکم کالا و ثروت داشت و برای او ارزشی بیش از گاو و گوسپند نمی دانستند ، هر کس زن بیشتری در اختیار داشت ثروتمندتر شناخته می شد ، خرید و فروش زن و بکار گرفتن وی برای شخم زمین امری معمولی و عادی بود. در کلد و بابل ، زنان را مانند سایر کالاها می فروختند ، و هر سال بازاری برای این کار داشتند تا دختران به سن ازدواج خود را بفروشند.

در هندوستان دختر را از سن پنج سالگی شوهر می دادند ، و برای آنها حقی قائل نبودند ، حیات زن را طفیل مرد می دانستند ، و چون شوهرش می مرد او را با شوهر می سوزاندند

، و هیچ موجودی را پست تر از زن شوهر مرده نمی دانستند. امروز همچنانکه در روزنامه ها می نویسند ، بسیاری از هندوها از ترس فراهم نشدن جهیزیه ، دختران خود را در کودکی نابود می کنند!!

در چین و تبت زنان جز در کار چهار دیوار خانه حقی نداشتند ، و برای کاستن قدرت راه رفتن زن ، پس از تولد او پایش را در قالب آهنی می بستند و پس از رسیدن به سن پانزده سالگی آن قالب را از پایش جدا می کردند! در یونان که مرکز علم و دانش و فلسفه و حکمت بود ، زائیدن دختر به وسیله زن جرم بود و تا دو بار دختر زائیدن در دادگاه محاکمه و محکوم به پرداخت جریمه و بار سوم محکوم به اعدام می شد. در عربستان چنانکه قرآن مجید می فرماید: زنده به گور کردن دختران امری عادی و ساده می نمود:

و اِذَا بَشَّرَ احَدُهُم بِالْاِثْنِي ظِلٍّ وَجْهَهُ مَسُوْدًا وَ هُوَ كَظِيْمٍ يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بَشَّرَ بِهِ اَيْمَسْكَهَ عَلٰى هَوْنٍ اَمْ يَدْسُهُ فِى التُّرَابِ الْاِسْآءِ مَا يَحْكُمُوْنَ .

چون یکی از آنان را به فرزندی که دختر بود مژده می آمد از شدت غم و اندوه رخسارش سیاه و سخت و ناراحت می شد و به خاطر این خبری که به خیال خودش زشت بود روی از قوم می گرداند و فرار رابر قرار ترجیح می داد ، و به فکر می افتاد که آن دختر را با خفت و خواری نگاه دارد ، یا زنده به خاک گور اندازد ، بدانید حکم آن بی خردان نسبت به دختر بد بود ، و قضاوتشان زشت.

این مسائل گوشه ای از جنایاتی است که مردم بی خبر و بی خرد نسبت به جنس زن روا می داشتند ، مفصل این مسائل در کتب مربوط به حیات زن ثبت است ، می توانید به آن منابع مراجعه کنید. نظر آئین مقدس الهی را هم در ده مسئله ای که در سطور قبل نسبت به زن اظهار شده دقت کردید ، با توجه به تعبیر قرآن و روایات از جنس زن تحت



عناوین: ام: ریشه و منبع و سرچشمه هر چیز - مادر . حرث: موجب بقاء نوع . لباس: پوشش حیات تسکین: علت آرامش . ربحانه: شاخه گل و ظریف . نعمت: عنایت حق .

باید مردان و جوانان چه آنان که ازدواج کرده اند چه آنان که قصد ازدواج دارند توجه بیشتری به موقعیت معنوی و آثار وجودی این خلقت زیبا و پرمفعت حق داشته باشند و بدانند انبیاء خدا و امامان و اولیاء و عالمان و عارفان و حکیمان ، و نویسندگان و فقههای بزرگ ، و صالحان از عباد خدا از دامن پاک اینان قدم به دایره هستی گذاشتند ، اینان منبع این همه خیر و برکت در حیات بشر بودند. بر پدران و مادران عزیز است که نسبت به ظهور کمالات در وجود دخترشان بیش از پیش دقت کنند ، و نسبت به تربیت الهی و انسانی آنان تا سر حد فداکاری بکوشند ، و بر شوهران است که حقوق آنان را با کمال وقار و ادب رعایت کنند ، تا دامن آنان در خانه پدران و مادران و در سایه رعایت حقوق توسط شوهران ، آماده تربیت نسل صالح گردد ، و از این طریق جامعه بشری به بهترین صورت تغذیه معنوی شود.

مگر یک دختر مسیحی مسلک پس از اسارت در جنگ و آمدن به خانه حضرت هادی(علیه السلام) ، و قرار گرفتن در سایه تربیت الهی به وسیله امام دهم و حضرت حکیمه خاتون دامن پاک و والایش آماده برای بوجود آمدن امام دوازدهم ، گستراننده عدل جهانی نشد ؟ زن چنین چشمه ای از کمالات و حقایق بالقوه است ، که با تابش نور هدایت وحی و معلم خیر به فعلیت رسیده و منشأ آثار جاوید و منابع ابدی خواهد شد.

تحقیر زن حمله به شخصیت او، محدود نمودن وی خارج از دستورات حکیمانه دین، زجر دادن به او، و ممنوع کردنش از دیدن پدر و مادر و اقوام، با تلخی و ترشروئی با او زندگی کردن، خسته از کار روزانه و درگیریهای بیرون به وقت خانه رفتن با او روبرو شدن، پاسخ ندادن به غرائز او بخصوص غریزه جنسی وی، همه و همه از نظر دین امری ناپسند، و کاری زشت و ظلمی فاحش است.

اگر می خواهید بنای زندگی بر پایه عشق و محبت استوار باشد ، شخصیت زن را رعایت کنید ، به او اعلام دوستی و محبت نمائید ، از وی دلجوئی داشته باشید ، در کار و برنامه خانه به او کمک دهید ، از آزار وی بپرهیزید ، و بعضی از برنامه های او را که محصول کار روزانه و خستگی و محدودیت وجودی اوست با تمام وجود گذشت کنید ، تا شیرینی زندگی را بچشید ، و با این روش خداوند مهربان را در حدّ عالی عبادت کرده باشید . او ریشه و سرچشمه خیر و کشتزار انسانیت ، و پوشش شما در زندگی ، و مایه آرامش ، و گل لطیف و ظریف گلستان هستی ، و نعمت حق در کنار شماست .

رسول باکرامت اسلام محبت به زن را در عرض علاقه به بوی خوش و نماز قرار داده اند:  
**حُبِّ اِلَى مِنَ الدُّنْيَا النِّسَاءِ وَ الطَّيِّبُ وَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ .**

محبوب من از دنیا زن ، بوی خوش ، و نور چشم من در نماز است .

اگر انسان با رعایت حقوق زن و احترام به شخصیت او ، از او فرزند صالح و شایسته ای پیدا کند ، عملش حتی پس از مرگ قطع نمی شود ، از آثار پاکی و صالح بودن فرزندش بعد از مرگ بهره خواهد برد . رسول خدا می فرماید:

**اِذَا مَاتَ الْاِنْسَانُ اِنْقَطَعَ عَمَلُهُ اِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ : مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ ، اَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهٖ ، اَوْ وَكْدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهٗ .**

چون انسان بمیرد ، عملش قطع می شود مگر از سه چیز: از کار خیری که دوام دارد ، از دانشی که دیگران از او سود ببرند ، از فرزند شایسته ای که برای وی دعا کند .

## استقلال و حریت انسان

آفرینش انسان بر پایه آزادی جان ، و بر اساس استقلال در امور حیات ، و اختیار در انتخاب است. احدی حق ندارد کسی را به بردگی و بندگی و رقیت خود درآورد ، و وی را برای خواسته های خود به اسارت بگیرد. سلب آزادی و حریت ، و استقلال و اختیار از هر انسانی گناه کبیره و خیانت عظیم و جنایت بزرگ است. آزادی و اختیار و استقلال و حریت با خمیر وجود انسان آمیخته است ، و سرشت و طبیعت آدمی با این حقیقت آفریده شده ، آزادی و استقلال از بزرگترین نعمت های حق بر وجود انسان ، و عالیترین منبع برای رشد و کمال و رسیدن به مقامات عالیه ظاهری و باطنی است. فضای آزادی عالیترین فضا ، و حال و هوای اختیار و حریت زیباترین حال و هوا برای انسان است.

از موارد بسیار مهم ظلم ستیزی اسلام ، در همین جهت است . اسلام با کسی که بنای استعمار و استثمار دارد و می خواهد انسانهای آزاد آفریده شده را در مدار بندگی و بردگی خود قرار دهد جنگی تمام عیار دارد ، و دستورات اکید اسلام در مسئله جهاد ، برای شکستن شاخ ستم و ستمکاران است ، آنان که به آزادی و استقلال هجوم دارند. تمام خسارت هائی که در طول تاریخ حیات به میدان حیات وارد شده ، نتیجه سلب آزادیها ، و هجوم به حریت و استقلال انسانهاست. حرف زور شنیدن و زیر بار زور رفتن ، و قبول ستم ، و آزادی و حریت خود را فروختن از اعظم گناهان ، و موجب دور شدن از رحمت حق ، و به خطر افتادن منافع مادی و معنویست. آزادی و حریت و بنای انتخاب و اراده ای که حضرت حق برای رشد و کمال ، و شکوفائی استعداد به انسان عنایت فرموده حفظش واجب ، و به هنگام هجوم خطر باید از آن گرچه به قیمت از دست دادن جان باشد جانبداری کرد.

## حکایتی عجیب در حریت

در تاریخ آمده یزید یا عامل او در راه سفر حج وارد مدینه شد ، به دنبال شخصی از قریش فرستاد ، چون به مجلس آن ستمگر آمد به او گفت ، به بردگی و بندگیت نسبت به من اقرار کن . اگر خواستم ترا به عنوان غلام حلقه به گوش به فروش می رسانم ، اگر نخواستم به عنوان برده تو را نگاه می دارم ، پاسخ داد به خدا قسم از نظر ریشه و اصالت و حسب و نسب از من بزرگوارتر نیستی ، و پدرت در جاهلیت و اسلام بهتر از پدر من نبود ، و در دین و ایمان خودت از من برتر نیستی ، و در خوبی فضیلتی بر من نداری ، با این همه خصوصیتی که در من است چگونه به بندگی و غلامی خود نسبت به تو اقرار کنم؟! ستم گر به او گفت اگر به این مسئله اقرار نکنی فرمان قتلت را می دهم ، پاسخ داد کشتن من بزرگتر از کشتن حضرت حسین(علیه السلام) نیست ، چون برخورد به اینجا رسید فرمان قتلش صادر ، و به خاطر حفظ حریت و آزادی و اراده و اختیار به فیض باعظمت شهادت رسید .

امیرالمؤمنین(علیه السلام) می فرماید:

**أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ آدَمَ لَمْ يَلِدْ عَبْدًا وَلَا أُمَّةً وَإِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أُحْرَارٌ .**

ای مردم ، آدمیزاد برده و کنیز به دنیا نیامد ، به حقیقت که تمام مردان و زنان آزادند.

**و نیز آن حضرت فرمود: لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا .**

برده کس مباش ، در صورتی که خداوند ترا آزاد آفریده.

باید توجه داشت که منظور از آزادی ، آزادی وجود انسان از قید بردگی و عیودیت نسبت به هم نوع ، در برابر شهوات و غرائز غلط ، و آلودگی های اخلاقی است. انسان وقتی به دنیا می آید پاک و پاکیزه ، و گوهری گرانبها ، و موجودی والا ، و آزاد از بردگی غیر ، و

دارای کرامت نفس ، و شرافت وجود ، و در یک کلمه آزاد از رذائل و پلیدیها ، و دارای اراده و اختیار است. هدایت حضرت حق ، همراه با عقل و فطرت و نبوت انبیاء و امامت امامان و قرآن مجید ، و آگاهان و بینایان ، برای بکار گیری این آزادی و اراده و اختیار، او را دنبال می کند، تا در سایه این همه لطف و عنایت پروردگار از آزادی خود استفاده کند، و به انتخاب امور احسن برخیزد، و از این راه به سعادت دنیا و آخرت برسد.

انسان اگر توجه به این معنا نکند ، و از هدایت حق روگردان شود ، بدون شک گوهر آزادی و اراده و اختیار را در برابر فرعون منشان ، و طواغیت زمان و آز و حرص و کبر و حسد و غرائز و شهوات از دست خواهد داد ، و برده دنیا و بنده دیگران و عبد شهوات و غرائز ، و اسیر حرص و طمع خواهد شد ، و از نمد کرامت و سعادت ، و خیر دنیا و آخرت کلاهی نخواهد برد. آنان که به هر عمل خلافی دست می زنند ، و به هر شهوت و گناهی خود را آلوده می کنند ، و مطیع و فرمانبر هر کسی می شوند و نام این بی قیدی و بی بند و باری را آزادی می گذارند برده ای جاهل ، و غلامی پست و عبدی ذلیل و موجودی بیچاره اند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: **مَنْ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ كَانَ حُرًّا.**

آنکه خواسته های نامشروع را رها کند آزاد است.

و نیز فرموده: **الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍ وَ النَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ: رَجُلٌ بَاعَ نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا ، وَ رَجُلٌ اِبْتِئَعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا.**

دنیا گذرگاه است و مردم در آن دو دسته اند: آنکه خود را به شهوات و مادیات و آلودگیها فروخت ، پس وجودش را در معرض هلاکت و نابودی قرار داد ، و آنکه خود را از این همه خرید ، پس وجودش را از هر شری در دنیا و هر عذابی در آخرت آزاد کرد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: **خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنْهَا فَلَيْسَ فِيهِ كَثِيرٌ مُسْتَمْتَعٌ: أَوْلَاهَا الْوَفَاءُ ، وَ التَّائِبَةُ التَّدْبِيرُ ، وَ التَّالِثَةُ الْحَيَاءُ ، وَ الرَّابِعَةُ حُسْنُ الْخُلُقِ ، وَ الْخَامِسَةُ وَ هِيَ تَجْمَعُ هَذِهِ الْخِصَالِ: الْحُرِّيَّةُ .**

پنج خصلت است ، کسی که یک خصلت از آن را دارا نباشد در او چیز زیادی نیست که بتوان از او بهره مند شد ، اول آن وفا و دوم آن عاقبت اندیشی ، و سوم آن حیا ، و چهارم خوش خلقی ، و پنجم از آن که همه این خصلت ها را در انسان جمع می کند حریت و آزادی است.

علی (علیه السلام) فرمود: **لَا يَسْتَرِفُّنَكَ الطَّمَعُ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا .**

طمع ترا به بردگی نگیرد ، در صورتی که خداوند ترا آزاد آفریده.

و نیز آن جناب فرمود: **مِنْ تَوْفِيقِ الْحُرِّ اِكْتِسَابُ الْمَالِ مِنْ حِلِّهِ .**

کسب مال از طریق حلال از توفیق الهی انسان آزاد است.

### مسئله ای مهم

با توجه به حقیقت و معنای آزادی ، و ارزش اراده و اختیار ، و اینکه انسان وقتی در سایه هدایت حق از آزادی و حریت ، و اراده و اختیار بهره گرفت ، به مقامات عالی و درجات کافی ، و واقعیات غیر قابل تصور می رسد ، سعی کنیم حریت خود را در تمام طول عمر ، و در کنار تمام حوادث و بلاها حفظ کرده ، که نگاهداشتن حریت موجب رسیدن به خوشنودی و رضایت پروردگار است.

انسان همانند یک اتم است ، هسته مرکزی وجود او فطرت و توحید و خداخواهی و خداجوئی است ، و قوام وجودش به این است که تمام اعضاء ظاهر و حالات باطنش

مجنون حق و برابر فرمان و خواسته های پروردگار در حرکت باشد ، و هرگز در حرکات و سکناش از عشق به حق ، فرمانبری از خداوند جدا نباشد ، که جدائی از حق ، و بیرون رفتن از حوزه جاذبه معرفت و عشق دوست ، و بریدن از خدامحوری ، مساوی با تولید فساد و افساد در اعضا و جوارح و در باطن و ظاهر انسان است. قرآن مجید می فرماید:

**فَمَا الَّذِينَ كَفَرُوا فاعذبهم عذاباً شديداً في الدنيا و الاخرة و ما لهم من ناصرين .**

و اما آنان که کافر به حق شدند ، و بین خود و خدا حجاب قرار دادند ، از معرفت و محبت به پروردگار بریدند ، و از خدامحوری درآمدند ، و نسبت به حق به غفلتی سنگین دچار شدند ، و به این خاطر منبع فساد و افساد گشتند ، و اسیر طاغوت و برده شهوات ، و غلام سیئات اخلاقی شدند ، در این جهان و آن جهان به عذابی شدید گرفتار می کنم ، و برای نجات آنان از عذاب امروز و فردا یاری نیست.

از جمله عوامل کنترل کننده انسان از قسمتی از مفاسد برنامه بسیار مهم ازدواج است. انسان وقتی از شایستگی لازم یعنی ایمان و اخلاق و عمل در حدّ و توان و وسع خویش برخوردار باشد، و همسری شایسته هم کفو خودش نصیب او شود ، تا حدودی ظاهر و باطنش کنترل می شود ، و آزادی و حریتش حفظ می گردد ، و از بردگی نسبت به شهوات حرام ، و برنامه های آلوده ، و دوستان ناباب در امان می رود. چه بسیار مردانی که به توسط ایمان و اخلاق و کرامت خود ، همسران خویش را به مقامات الهیه و کرامات انسانی رساندند ، و چه بسا زنانی که در سایه بیداری خود و بینائی و بصیرت خویش مردان خود را به درجات والای انسانی ، و مقامات بزرگ ملکوتی نشانند.

بنابراین اگر گفته شود ازدواج ضامن حریت و اختیار ، یا موجب بازگرداندن آزادی و آزادی به انسان است مطلبی به گراف گفته نشده. با ازدواج روح جدائی را در خود حفظ کنیم ، و مقام خلافت از جانب حق را از دستبرد شهوات و مفاسد در امان بداریم ، و بر

رشد ایمان و عمل صالح خود بیفزائیم ، و نصف دین خود را دریافته و نصف دیگر آن را با تقوا و پرهیز از محرّمات از آسیب نگاه داریم. مرد در فضای ازدواج سهیم در شکوفائی کمالات زن ، و زن شریک رشد مقامات مرد است. زن موجودی فرزانه و لایق و قابل است ، تا جائی که بزرگان فرموده اند موجب ظهور حقایق در وجود مرد است ، و مرد موجودی شریف و اصیل و باکرامت است ، تا جائی که در حق او گفته اند ، باعث رسیدن زن به درجات عالیّه است.

علی(علیه السلام) می فرماید اولین زنی که از زنان جهان قدمش به بهشت می رسد خدیجه است ، و این معنا دلیل بر روح الهی زن ، و مقام خلافت وی از حق ، و داشتن مایه های عالی و سرمایه های انسانی و اخلاقی و ایمانی است. آری زن آزاد از هوا و هوس و آزاد از اسارت طاغوت ، و آزاد از شهوات و تمایلات حرام ، و همچنین مرد آزاد ، دو گوهر پرارزش و دو حقیقت والا در این پهنه باعظمت آفرینش و خلقت است.

امام حسین(علیه السلام) حریت و آزادی حرّ بن یزید را به مادر باکرامت آن شهید نسبت می دهد ، و امیرالمؤمنین عظمت مالک اشتر را جلوه دامن پاک و الهی مادر او می داند. مرد در خانه باید اسوه و سرمشق خوبیها برای زن ، و زن برای مرد باشد ، و هر دو اسوه حسنه و سرمشق نیکو برای فرزندان خود.

## استقلال مرد و زن در ازدواج

پدران و مادران باید توجه داشته باشند که حق انتخاب همسر همراه با شرایط مهمی که اسلام عزیز فرموده با خود فرزند است. پدر و مادر حق ندارند در مسئله ازدواج دختری را که فرزندان نمی پسندد به او تحمیل کنند ، و او را به زور وادار به ازدواج با او کنند. همچنین پدر و مادر حق ندارند کسی را که دختر نمی پسندد ، وی را به زور وادار به ازدواج با او کنند ، آنان در انتخاب همسر از جانب حق دارای حریت و استقلال اند.



در روایت بسیار مهمی درباره انتخاب در ازدواج آمده: قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ  
إِمْرَأَةً وَإِنَّ أَبِيَّ أَرَادَ غَيْرَهَا، قَالَ: تَزَوَّجِ الَّتِي هُوَئِثَ وَدَعِ الَّتِي هُوَ أَبُوَاكَ .

ابن ابی یغفور می گوید به حضرت صادق عرضه داشتم ، من برای ازدواج زنی را انتخاب کرده ام و پدر و مادرم دیگری را ، تکلیف من چیست ؟ فرمود: آن را که خودت دوست داری اختیار کن ، و آن را که پدر و مادر پسندیده اند رها کن .

در رساله عملیه مراجع بزرگ شیعه در باب ازدواج می خوانیم: اگر همسر مناسبی برای دختر پیدا شود و بخواهد با او که شرعاً و عرفاً هم کفو او می باشد ازدواج کند و پدر و جدّ پدری مانع می شوند و سختگیری می کنند در این صورت اجازه آنان لازم نیست .

بنابراین پسری که دختری را هم کفو خود می داند ، و دختری که پسری را هم کفو خود می شناسد رضایت و عدم رضایت پدر و مادر شرط نیست ، و می تواند با اجازه اسلام و رضایت حق ازدواج کنند. بر پدران و مادران است که هوا و هوس ، و خواسته های صنفی و قبیله ای خود را در ازدواج پسران و دختران خود اعمال نکنند ، که زورگوئی در اسلام حرام و قبول زور هم حرام است .

مرد و زن در انتخاب کار مشروع نیز آزاد و مستقل هستند ، و محصول کار آنان از خود آنان است و مالکیت آنان بر درآمد خود یک مالکیت مشروع است ، و زن حقی به اموال مرد جز با اجازه مرد ، و مرد حقی به اموال زن جز با اجازه زن ندارد ، توجه داشته باشیم که استقلال مرد و زن باید در تمام جوانب حیات محفوظ بماند .

## «سوالات مسابقه»

- 1- آنان که به تعبیر قرآن اهل بصیرت هستند ، برای تقوا بترتیب چه مراتبی ذکر کرده اند؟  
(الف) تقوای خاصّ الخاصّ ، تقوای خاص ، تقوای عام (ب) تقوای خاصّ، تقوای انبیا و اولیا  
(ج) تقوای خاص و عام ، تقوای انبیا و اولیا (د) تقوای خاص، تقوای خاصّ الخاصّ
- 2- حضرت صادق(علیه السلام) میفرماید: دو رکعت نمازی که مرد همسر دار می خواند ، از چه چیزی بهتر است؟  
(الف) مساوی عبادت تمام عمر (ب) بهتر از قیام شب مرد عزب به عبادت و روزه گرفتنش در روز  
(ج) بهتر از جهاد کردن مرد عزب در راه خدا (د) برابر ۷۰ سال عبادت
- 3- در آیه (وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ ...) منظور از "الایامی" چه کسانی هستند؟  
(الف) کنیزها (ب) فقراء (ج) پسران (د) پسران و دختران
- 4- آیا انتخاب همسر در فرهنگ اسلام از لحاظ واجب و مستحب چگونه است؟  
(الف) در صورتی که مجرد ماندن و عزب دامن پاک زندگی را به گناه و معصیت، آلوده کند، واجب  
(ب) نه واجب است و نه مستحب (ج) ازدواج در فرهنگ اسلام بخودی خود مستحب است  
(د) الف و ج
- 5- جای خالی را با گزینه مناسب پر کنید. (برای ..... ، و کسب روحیه خودداری از گناه بهترین قدم ، و در میان اعمال از ..... اعمال است).  
(الف) تحصیل تقوا- پسندیده ترین (ب) کار خیر، زیباترین  
(ج) تحصیل تقوا- زیباترین (د) کار خیر، پسندیده ترین
- 6- بنا به فرمایش پیامبر (ص) کدامیک از مواقع عنایت و رحمت پروردگار متوجه انسان می شود؟  
(الف) به وقت دعا کردن (ب) هنگام نظر کردن فرزند به صورت پدر از باب مهر و محبت  
(ج) هنگام مصافحه دو مسلمان (د) دعا کردن در تعقیب نماز
- 7- در تحقق برنامه ازدواج بهترین و محکمترین برنامه کدام است؟  
(الف) پیشگیری جوانان از افتادن به گناه  
(ب) حفظ جامعه در افتادن در غرغاب فحشا  
(ج) ازدواج پسران و دختران به وقت نیاز و زمان مناسب آن (د) همه موارد

۸- ترجمه صحیح (وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا) کدام است؟

- (الف) و اوست خداوندی که بشر را از آب آفرید ، و میان آنان دوستی و خویشاوندی قرار داد  
(ب) و اوست خداوندی که بشر را از آب آفرید ، و میان آنان خویشی و پیوند ازدواج قرار داد  
(ج) و اوست خداوندی که بشر را از آب آفرید ، و میان آنان پیوند ازدواج قرار داد  
(د) الف و ج

۹- راه عملی حفظ فرزندانمان از عذاب آتش قهر حق در قیامت چیست؟

- (الف) تقوا داشتن پدر و مادر  
(ب) تربیت صحیح فرزندان  
(ج) سرایت دادن تقوای پدر و مادر به فرزندان  
(د) موارد الف و ج

۱۰- امام صادق(علیه السلام) مراتب تقوا را چگونه ذکر کرده اند؟

- (الف) تقوای بالله فی الله- تقوای من الله- تقوای بالله من الله  
(ب) تقوای الی الله فی الله- تقوای انبیا و اولیا - تقوی مومنین  
(ج) تقوای انبیا -تقوای اوصیا - تقوای مومنین  
(د) تقوای بالله فی الله- تقوای من الله- تقوای برخاسته از خوف

۱۱- از دیدگاه پیامبر(ص) به چه وسیله ای می توانیم نیمی از سعادت را بدست آوریم؟

- (الف) انجام یک حج واجب  
(ب) حفظ دین و ایمان  
(ج) ازدواج کردن  
(د) جهاد در راه خدا

۱۲- امیرالمؤمنین(علیه السلام) اهل تقوا را چگونه معرفی می کند؟

- (الف) در گفتار و کردار خدا ترس هستند  
(ب) همگان از شر آنان ایمنند  
(ج) از هوا و هوس پیروی نمی کنند  
(د) بر اهل و عیالشان سخت گیر نیستند

۱۳- طبق آیات و روایات آنان که در ازدواج پسران و دختران خود آسانگیری می کنند

چه اجری دارند؟

- (الف) خداوند مهربان در دنیا و آخرت علی الخصوص در صحرای محشر به آنان آسان خواهد گرفت  
(ب) خداوند به آنها وسعت رزق میدهد

(ج) خداوند در امر حساب و کتاب و میزان به آنان آسان می گیرد (د) الف و ج

۱۴- این جمله (هر عملی که..... باعث رنجش خاطر دیگری شود ..... است، و خداوند

..... را دوست ندارد) را تکمیل کنید:

- (الف) بناحق - گناه - گناهکار  
(ب) بناحق - ظلم - ظلم و ظالم  
(ج) گناه است - ظلم - گناهکار  
(د) ظلم است - گناه - ظالم

۱۵- انحراف در غرائز و شهوات ، گسترده شدن فساد و آلودگی ، چشم چرانی و هوس گناه و بلاهای دیگر ریشه در کجا دارد ؟

الف) در سختگیری پدران و مادران اسیر در رسوم و عادات غلط  
ب) در پسران و دخترانی که از عرصه گاه تقوا دورند

ج) در عدم فراهم آوردن بساط ازدواج  
د) همه موارد

۱۶- حفظ شئون هر کس در ازدواج به چه چیزی بستگی دارد؟

الف) در کثرت مهمان  
ب) بر پایایی مجالس با شکوه و پر خرج

ج) انتخاب هم کفو و مراعات اخلاق اسلامی در دو خانواده  
د) در گرو مهریه بالا و به روز

۱۷- این جمله را کامل کنید: (تقوا ..... کرامت ، ریشه شرافت ، و خمیرمایه سعادت ، و ..... خیر دنیا و آخرت است).

الف) راه - کلید  
ب) اساس - کلید  
ج) منبع - راه  
د) راه - منبع

۱۸- این جمله را کامل کنید. (لباس ساده تهیه کنید ولی ..... را رعایت نمائید).

الف) آداب و رسوم  
ب) زیبا پوشیدن  
ج) آداب پوشیدن  
د) آداب و فرهنگ

۱۹- منظور از ترک حلال در گفتار امام صادق(علیه السلام) به چه معناست؟

الف) صاحبان تقوا بسیاری از اموری که حلال است ، بدنبال نمی کنند چون احساس نیاز نمی کنند

ب) در حلالی که متقین به آن نیازمندند کمال قناعت را رعایت می کنند

ج) یعنی قناعت به حلال ، و محدود گرفتن امور مادی زندگی  
د) همه موارد

۲۰- تعبیر رسول باکرامت اسلام از آنان که از ازدواج امتناع می کنند چیست؟

الف) اهل آتش ، فرومایگان ، برادران شیطان  
ب) گناهکاران و معصیتکاران

ج) اشرار ، و لعنت شدگان  
د) الف و ج

۲۱- این جمله را کامل کنید. (بر عموم مردم است که یکدیگر را با زبانی نرم، و اخلاقی خوش به

..... دعوت کنند).

الف) معروف  
ب) نهی از منکر  
ج) تقوا  
د) کار خیر

۲۲- چه چیزی در فرهنگ پاک اسلام عبادتی بزرگ و مساوی با جهاد در راه خدا شمرده شده

است؟

الف) کار و کوشش مادی در جهت تأمین زن و فرزند

ب) هر کس تسهیل در ازدواج دو نفر کند

ج) کسی که بین زن و شوهر صلح دهد

د) کسی که برای افراد خانواده خود ایجاد صلح و صفا و صمیمیت کند

- ۲۳- با استفاده از آیات قرآن و روایات بزرگان دین نشانه های اهل تقوا را چه می دانند؟  
 الف) امین بودن در تمام جوانب حیات. حفظ عفت نفس  
 ب) راستگوئی در کلام ، آراسته بودن به حسنات اخلاقی  
 ج) پیراسته بودن از رذائل ، پاک بودن از ریا و دوروئی  
 د) همه موارد
- ۲۴- رسول خدا(ص) اکثر اهل آتش در قیامت را چه کسانی معرفی می کند؟  
 الف) آنان که نماز را ترک کردند  
 ب) آنانی که از ازدواج امتناع می کنند  
 ج) آنهایی که به ولایت اهل بیتم پشت کردند  
 د) آنان که مانع ازدواج جوانان می شوند
- ۲۵- "يُخْرِجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤَ وَ الْمَرْجَانَ" . منظور از لولو و مرجان کام است؟  
 الف) حضرت فاطمه(س) و ۱۱ امام از فرزندانش  
 ب) علم و دانش و ثروت  
 ج) امام حسن و امام حسین(علیهم السلام)  
 د) پیامبر(ص) و حضرت فاطمه(س)
- ۲۶- دیدگاه اسلام نسبت به زن و پاسخ اسلام به انحرافات فکری انسان گمراه چیست؟  
 الف) خلقت زن و کیفیت وجود او همانند مرد است  
 ب) او دارای حق مالکیت است  
 ج) عبادت زن در پیشگاه حق همانند عبادت مرد  
 د) همه موارد
- ۲۷- بر اساس قرآن معیار برای کسب حیات طیبه و اجر آخرتی چیست؟  
 الف) میزان حق ایمان و عمل صالح  
 ب) کار و تلاش برای رضای حق  
 ج) عبادت و اطاعت از انبیا و اولیاء  
 د) خدمت به اهل و عیال برای رضای حق
- ۲۸- علل انحراف فکری اقوام و ملل شق و غرب چیست؟  
 الف) جدای از حق و بریده از وحی  
 ب) بر اثر کبر و نخوت از تعالیم حق جدا زیستند  
 ج) فرو رفتن در هوی و هوس  
 د) همه موارد
- ۲۹- راه شکوفا شدن استعدادهای نهفته در باطن جوانان چگونه باز می شود؟  
 الف) تربیت صحیح توسط پدر و مادر  
 ب) با استفاده از اساتید و مربیان مجرب  
 ج) ازدواج که عامل آسایش فکری و امنیت باطنی  
 د) همه موارد
- ۳۰- در آیه " مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ " منظور از دو دریا کدام است؟  
 الف) حضرت رسول(ص) و حضرت علی(ع)  
 ب) کل ایمان و کل کفر  
 ج) دنیا و روز قیامت  
 د) حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س)
- ۳۱- سعادت و شقاوت انسان در درجه اول از کجا به انسان منتقل می شود؟  
 الف) از پدر و مادر  
 ب) از نحوه زندگی در جامعه  
 ج) از محلهای تربیت و آموزش  
 د) الف و ج

۳۲- کثرت فساد و غلبه شهوات حرام ، اخلاق زشت و غیره در ملل مغرب زمین  
محصول چیست؟

الف) (الف) زیادی ثروت و رفاه  
ب) خرابی نظام خانه و خانواده  
ج) آموزش و تربیت غلط در مراکز آموزشی  
د) نظام سرمایه داری حاکم

۳۳- از دید امام صادق(ع) دزدان سه نفرند! کدام گزینه است؟

الف) آنکه از پرداخت زکات بخل ورزد - راهزن و طرار - کسی که مهریه زن را نپردازد  
ب) سارق نماز - راهزن و طرار - کسی که وامش را پرداخت نکند  
ج) آنکه از پرداخت زکات بخل ورزد - کسی که مهریه زن را نپردازد - کسی که از مردم وام گیرد  
د) الف و ج

۳۴- جای خالی جمله " مردان در مغرب زمین به طور اکثر، و زنان بطور اغلب پس از گذراندن  
دوران ..... و رفاقت های نامشروع با یکدیگر ازدواج می کنند" را کامل کنید.

الف) تحصیلات  
ب) سن بلوغ  
ج) نام زدی  
د) فساد

۳۵- در مسئله ازدواج هدف کدام گزینه میباشد؟

الف) زیبایی  
ب) ثروت و جایگاه خانواده

ج) جلب رضای حق  
د) رفع شهوت و نیفتادن در گناه

۳۶- "زن موجودی دارای روح شیطانی" از قضاوت های ظالمانه کدام ملل است؟

الف) مادیگرایان  
ب) ملل غربی و شرق  
ج) ملل شرقی  
د) هند و چین

۳۷- کدام آیه از قرآن به مهریه زن اشاره می کند؟

الف) لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا  
ب) خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا  
ج) وَالْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٍ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ  
د) وَاللِّنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ

۳۸- برترین زنان بهشت کدامند؟

الف) خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد(ص)  
ب) مادر حضرت موسی و حضرت آمنه  
ج) مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم  
د) الف و ج

۳۹- در این آیه " و قدموا لانفسکم " غیر از لذت و کامجویی اشاره به کدام موضوع

دارد؟

الف) پرورش فرزندان شایسته  
ب) ذخیره معنوی برای فردا

ج) تقرب به خداوند  
د) همه موارد

- ۴۰- این حدیث از کدام معصوم است؟ "آنکه خواسته های نامشروع را رها کند آزاد است".  
 (الف) پیامبر(ص) (ب) حضرت علی(ع) (ج) امام حسن(ع) (د) امام صادق(ع)
- ۴۱- حفظ و نگاهداشتن حریت موجب رسیدن به چه چیزی می شود؟  
 (الف) آزادی در سایه اسلام (ب) کسب مال حلال  
 (ج) خوشنودی و رضایت پروردگار (د) کسب مقامات عالی
- ۴۲- با توجه به سوره های مریم و دهر در قرآن، زن در عبادت از چه مقامی بهره مند است؟  
 (الف) در قیامت از اجر عظیم (ب) در دنیا و آخرت بنام مومنه یاد می شود  
 (ج) ثواب فوق العاده (د) الف و ج
- ۴۳- با توجه به تعبیر قرآن و روایات از جنس زن تحت چه عناوینی نام برده شده؟  
 (الف) ام و حرث (ب) لباس و تسکین (ج) ریحانه و نعمت (د) همه موارد
- ۴۴- در آیه " نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ " منظور از حرث کدام است؟  
 (الف) کشتزار (ب) وجود زن (ج) همسر (د) مال
- ۴۵- این حدیث از کیست؟ "برده کس مباش، در صورتی که خداوند ترا آزاد آفریده."  
 (الف) امام صادق(ع) (ب) حضرت علی(ع) (ج) امام باقر(ع) (د) پیامبر(ص)
- ۴۶- جای خالی را پر کنید؟ "با ازدواج ..... را در خود حفظ کنیم ، و مقام ..... از جانب حق را از دستبرد شهوات و مفسد در امان بداریم"  
 (الف) روحیه- خلافت (ب) روحیه- قرب (ج) روح خدایی- خلافت (د) قدرت- قرب
- ۴۷- آنان که به هر عمل خلافی دست می زنند و نام این بی قیدی و بی بند و باری را آزادی می گذارند چگونه آدمهایی هستند؟  
 (الف) برده ای جاهل (ب) غلامی پست و عبدی ذلیل (ج) موجودی بیچاره اند (د) همه موارد
- ۴۸- جمله را کامل کنید " سلب آزادی و حریت ، و ..... و اختیار از هر انسانی..... و خیانت عظیم و جنایت بزرگ است "  
 (الف) استقلال - گناه کبیره (ب) امنیت - جرم است  
 (ج) استقلال - جرم است (د) امنیت - گناه کبیره
- ۴۹- اولین زنی که از زنان جهان که قدمش به بهشت می رسد کیست؟  
 (الف) حضرت زهرا(س) (ب) حضرت مریم (ج) حضرت خدیجه (د) آسیه
- ۵۰- این حدیث از کدام معصوم است؟ "بیشترین خیر در زنان است"  
 (الف) پیامبر(ص) (ب) امام باقر(ع) (ج) حضرت علی(ع) (د) امام صادق(ع)



همچنان که بدن انسان از سلولها تشکیل شده که نابودی و فساد و بیماری سلولها بطور قهری و طبیعی، معنایش بیماری بدن است و اگر توسعه پیدا کند به جاهای خطرناکی برای کل بدن انسان منتهی می شود، همین طور جامعه هم از سلولهایی تشکیل شده، که این سلولها خانواده اند. هر خانواده ای یکی از سلولهای پیکره ای اجتماع و بدنه ای اجتماع است. و تی اینها سالم بودند، وقتی اینها رفتار درست داشتند، بدنه ای جامعه، یعنی آن پیکره ای جامعه سالم خواهد بود.